



فرمول
پلیست



فارسی ۳

پایه دوازدهم
مشترک همه رشته‌ها



مؤلف کتاب

محمدرضا ملک‌محمدی



مدرس ویدئویی

امیر افضلی

این کتاب را تقدیم می‌کنم به دو ستارهٔ تابناک آسمان زندگی‌ام دو گوهر گران‌مایه و بی‌بدیل و نادر، «پدر و مادر»، روحشان شاد

این کتاب، قابل استفادهٔ دانش‌آموزان پایهٔ دوازدهم تمامی رشته‌ها (ریاضی، تجربی، انسانی و ...) برای آمادگی در امتحانات نهایی است.

ویژگی‌ها و شیوهٔ ارائهٔ مطالب

● قبل از هر چیز باید بگوییم که این کتاب، شما را از مراجعه به کتاب درسی‌تان بی‌نیاز می‌کند؛ چرا که متن کامل کتاب درسی را قبل از نکات، عیناً آورده‌ام و تمامی کارگاه‌های متن پژوهی، درک و دریافت‌ها، گنج حکمت‌ها، روان‌خوانی‌ها و شعرخوانی‌ها در این کتاب آورده شده‌است.

● این کتاب با آخرین تغییرات کتاب درسی منطبق و هماهنگ است.

● این کتاب بر اساسی قلمروهای سه‌گانهٔ «زبانی، ادبی و فکری» تألیف شده‌است.

نکات مهم هر بخش به ترتیب، شامل مباحث زیر است:

(الف) نکات مربوط به قلمرو زبانی (شامل معنی واژه‌ها، مباحث دستوری و روابط معنایی کلمات)

(ب) نکات قلمرو ادبی (بررسی تمامی آرایه‌های ادبی و مشخص کردن قافیه، ردیف و قالب شعری)

(پ) قلمرو فکری (معنی ابیات و عبارت‌ها و مفهوم و پیام آنها)

(ت) پاسخ به کارگاه‌های متن پژوهی و درک و دریافت‌ها

(ث) تهیهٔ کادری در انتهای هر درس، که در آن، واژه‌هایی که اهمیت املائی دارند، به صورت «گروه‌کلمه» آورده شده‌است.

(ج) ابیات و عبارت‌های آمده در کارگاه‌های متن پژوهی نیز موشکافانه بررسی و تجزیه و تحلیل گردیده‌اند.

قابل ذکر است که در قلمرو زبانی یا واژه‌هایی روبه‌رو می‌شوید که در متن اصلی با رنگ «قرمز» مشخص شده‌اند. این رنگ، نشانگر آن است که این کلمات در پایان کتاب درسی (در بخش واژه‌نامه) معنی شده‌اند.

(چ) در انتهای هر درس، همهٔ مطالب را در قالب سؤالات تشریحی، مطرح کرده‌ایم.

(ح) بخش پایانی کتاب را به «آزمون‌های نهایی چند سال اخیر» اختصاص داده‌ایم.

(خ) کتابچهٔ رایگان، شامل مباحث زیر، ضمیمهٔ این کتاب است:

۱ دستور زبان: ۳۴ بسته

۲ آرایه‌های ادبی: ۲۲ بسته (به علاوهٔ ۴ آرایهٔ ویژهٔ علوم انسانی)

بارم‌بندی آزمون‌های نهایی:

در جدول زیر، بarm‌بندی هر موضوع را می‌بینید. ضمناً بarm آزمون نوبت دوم، به نسبت هشت نمره (درس ۱ تا ۹) و

دوازده نمره (درس ۱۰ تا ۱۸) می‌باشد.

معنی واژه	املا	دستور زبان	آرایه‌های ادبی	تاریخ ادبیات	حفظ شعر	معنی شعر و نثر	درک مطلب
۱ نمره	۲ نمره	۴ نمره	۳ نمره	۱ نمره	۱ نمره	۴ نمره	۴ نمره



پاسخ	سوالات	درسنامه	عناوین درس‌ها
۳۴۰	۲۱	۱۰	ملکه، ذکر تو گویم / شکر نعمت / گمان
۳۴۲	۴۰	۲۹	مست و هشیار / در مکتب حقایق
۳۴۵	۵۶	۴۸	آزادی / دفتر زمانه / خاکریز
۳۴۶	۷۴	۶۳	دمون‌دیده / جاسوسی که ال‌اغ بودا
۳۴۹	۹۴	۸۳	نی‌نامه / آفتاب جمال حق
۳۵۱	۱۱۴	۱۰۳	در حقیقت عشق / سودای عشق / صبح ستاره‌یاران
۳۵۳	۱۳۲	۱۲۲	از پاریز تا پاریس / سه مرکب زندگی
۳۵۶	۱۵۴	۱۴۱	کویر / بوی جوی مولیان
۳۵۹	۱۷۰	۱۶۴	فصل شکوفایی / تیرلنا
۳۶۱	۱۸۷	۱۷۶	آن شب عزیز / شکوه چشمان تو



پاسخ	سوالات	درسنامه	عناوین درس‌ها	
۳۶۳	۲۱۳	۱۹۷	گذر سیاوش از آتش / به جوالمردی کوش	۱۲
۳۶۶	۲۳۷	۲۲۴	خون هشتم / ای میهن!	۱۳
۳۶۹	۲۶۳	۲۴۸	سی مرغ و سیمرغ / کلان‌تر و اولی‌تر!	۱۴
۳۷۱	۲۹۴	۲۷۴	کباب غاز / ارمیا	۱۶
۳۷۴	۳۱۱	۳۰۵	خنده تو / ملقر	۱۷
۳۷۶	۳۲۹	۳۱۹	عشق جاودانی / آخرین درس / لطف تو	۱۸
۳۹۰	۳۸۰		خرداد ماه ۱۴۰۳	آزمون
۳۹۱	۳۸۳		خرداد ماه ۱۴۰۴	آزمون
۳۹۲	۳۸۷		تیر ماه ۱۴۰۵	آزمون



لینک در ایستا

برای دریافت ۱۶ دوره آزمون تألیفی
فصل به فصل QR-Code را اسکن کنید.
(دریافت آزمون‌ها نیازمند عضویت در
پیام‌رسان پله و پائیتا است.)



لینک در پله





www.gajlive.ir





لینک ویدیوهای آفلاین کلاس سالیانه فارسی ۱۲ گاج لایو

 ادامه درک مطلب و مفهوم درس ۷ (دقیقه ۱۶ تا ۴۵) نکته های متن درس ۷ (دقیقه ۴۶ تا پایان) جلسه ۱۱	 آنالیز امتحان نهایی (دقیقه ۰ تا ۳۵) تحلیل شعر «ستایش» (دقیقه ۳۵ تا پایان) جلسه ۱
 درک مطلب و مفهوم درس ۸ (دقیقه ۶ تا ۳۹) آرایه های درس ۷ (دقیقه ۳۹ تا ۷۵) آرایه های درس ۸ (دقیقه ۷۵ تا پایان) جلسه ۱۲	 دستور زبان: نوع «را» (دقیقه ۱ تا ۳۵) دستور زبان: حذف به قرینه معنایی (دقیقه ۳۵ تا ۵۶) مفاهیم درس یکم (دقیقه ۵۶ تا پایان) جلسه ۲
 دستور زبان: وابسته و وابسته (دقیقه ۳ تا پایان) جلسه ۱۳	 نکته های متن درس ۱ (دقیقه ۱ تا ۴۶) آرایه های «ستایش» و درس ۱ (دقیقه ۴۷ تا ۸۰) دستور زبان: ادامه انواع حذف (دقیقه ۸۱ تا پایان) جلسه ۳
 درک مطلب و مفهوم درس ۹ (دقیقه ۲ تا ۲۶) دستور زبان: ادامه وابسته و وابسته (دقیقه ۲۶ تا پایان) جلسه ۴	 کارگاه متن پژوهی درس ۱ (دقیقه ۱ تا ۱۹) درک مطلب و مفهوم درس ۲ (دقیقه ۱۹ تا ۶۲) دستور زبان: واژه های هم آوا (دقیقه ۶۲ تا ۸۲) دستور زبان: نقش یابی ضمیر پیوسته (دقیقه ۸۲ تا پایان) جلسه ۴
 ادامه درک مطلب و مفهوم درس ۹ (دقیقه ۷ تا ۲۳) ادامه آرایه های درس ۸ (دقیقه ۲۳ تا ۳۸) آرایه های درس ۹ (دقیقه ۳۸ تا پایان) جلسه ۱۵	 پاسخ تمرین های حذف (دقیقه ۱ تا ۸) پاسخ تمرین های واژه های هم آوا (دقیقه ۸ تا ۱۷) تمرین های نقش یابی ضمیر پیوسته (دقیقه ۱۷ تا ۳۳) آرایه های درس ۲ (دقیقه ۳۴ تا پایان) جلسه ۵
 درک مطلب و مفهوم درس ۱۰ (دقیقه ۱ تا ۱۸) دستور زبان: تمرین وابسته و وابسته (دقیقه ۱۹ تا پایان) جلسه ۱۶	 درک مطلب و مفهوم درس ۳ (دقیقه ۳ تا ۲۸) آرایه های درس ۳ (دقیقه ۲۹ تا ۶۱) نکته های متن درس ۳ (دقیقه ۶۱ تا پایان) جلسه ۶
 دستور زبان: جمله ساده و مرکب (دقیقه ۱ تا پایان) جلسه ۲۲	 درک مطلب و مفهوم درس ۵ (دقیقه ۳ تا ۳۳) آموزش حسن تعلیل (دقیقه ۳۳ تا ۴۲) آرایه های درس ۵ (دقیقه ۴۲ تا ۸۶) نکته های متن درس ۵ (دقیقه ۸۶ تا پایان) جلسه ۷
 درک مطلب و مفهوم درس ۱۱ (دقیقه ۱۰ تا ۳۰) آرایه های درس ۱۰ (دقیقه ۳۱ تا ۶۴) آرایه های درس ۱۱ (دقیقه ۶۵ تا پایان) جلسه ۱۸	 ادامه نکته های درس ۵ (دقیقه ۱ تا ۴۲) درک مطلب درس ۶ (دقیقه ۴۳ تا ۸۱) اسلوب معادله (دقیقه ۸۱ تا پایان) جلسه ۸
 درک مطلب و مفهوم درس ۱۲ (دقیقه ۴ تا ۸۰) نکته های متن درس ۱۰ (دقیقه ۸۰ تا پایان) جلسه ۲۹	 آرایه های درس ۶ (دقیقه ۲ تا ۴۵) دستور زبان: افعال اسنادی (دقیقه ۴۵ تا پایان) جلسه ۹
 آرایه های درس ۱۲ (دقیقه ۲ تا ۴۰) نکته های درس ۱۱ (دقیقه ۴۰ تا ۷۱) نکته های درس ۱۲ (دقیقه ۷۱ تا پایان) جلسه ۴۰	 دستور زبان: ادامه افعال اسنادی (دقیقه ۱ تا ۲۶) نکته های متن درس ۶ (دقیقه ۲۶ تا ۶۰) درک مطلب و مفهوم درس ۷ (دقیقه ۶۰ تا پایان) جلسه ۱۰

لینک ویدیوهای آفلاین کلاس سالیانه فارسی ۱۲ گاج لایو

 جلسه ۲۶	دستور زبان: نقش های تبعی (دقیقه ۲ تا ۳۸) نکته های متن درس ۱۴ (دقیقه ۴۲ تا پایان)	 جلسه ۲۱	دستور زبان: انواع «واو» (دقیقه ۶ تا ۱۵) دستور زبان: زمان فعل (دقیقه ۲۰ تا ۳۴) شیوه عادی و بلاغی و نقش یابی (دقیقه ۳۶ تا ۷۳) دستور زبان: واژه های چندمعنایی (دقیقه ۷۳ تا پایان)
 جلسه ۲۷	درک مطلب و مفهوم درس ۱۶ (دقیقه ۱ تا ۳۵) آرایه های درس ۱۶ (دقیقه ۳۶ تا پایان)	 جلسه ۲۲	خواندن شعر «خوان هشتم» (دقیقه ۱ تا ۲۰) درک مطلب و مفهوم درس ۱۳ (دقیقه ۲۲ تا ۵۰) آرایه های درس ۱۳ (دقیقه ۵۵ تا پایان)
 جلسه ۲۸	آرایه های درس ۱۶ (دقیقه ۱ تا ۲۳) نکته های درس ۱۶ (دقیقه ۲۵ تا پایان)	 جلسه ۲۳	درک مطلب و مفهوم درس ۱۴ (دقیقه ۱ تا پایان)
 جلسه ۲۹	درک مطلب و مفهوم درس ۱۷ و ۱۸ و نیایش (دقیقه ۴ تا ۵۸) آرایه های درس ۱۷ (دقیقه ۵۹ تا پایان)	 جلسه ۲۴	ادامه آرایه های درس ۱۳ (دقیقه ۱ تا ۱۹) آرایه های درس ۱۴ (دقیقه ۱۹ تا ۶۷) ادامه نکات متن درس ۱۲ (دقیقه ۷۰ تا پایان)
 جلسه ۳۰	شیوه جمع بندی و مرور (دقیقه ۱ تا ۳۰) آرایه های درس ۱۸ و «نیایش» (دقیقه ۳۴ تا ۷۰) تکمیل جزوه دستور زبان (دقیقه ۷۰ تا پایان)	 جلسه ۲۵	مرور درک مطلب و مفهوم درس ۱۴ (دقیقه ۳ تا ۱۲) نکته های متن درس ۱۳ (دقیقه ۱۳ تا ۸۱) دستور زبان: ساختارهای دستوری کهن و انواع «ان» (دقیقه ۸۲ تا پایان)

لینک ویدیوهای آفلاین کلاس جمع بندی فارسی ۱۲ (زودبز)

 جلسه ۸	دستور زبان: تمرین وابسته های وابسته، ترکیب های وصفی و اضافی، واو عطف و ربط (دقیقه ۱ تا ۹۵) درک مطلب و مفهوم درس ۶ و ۷ (دقیقه ۹۷ تا پایان)	 جلسه ۱	املا درس ۱ تا ۶ (دقیقه ۱ تا ۷۲) درک مطلب درس ۱ و ۲ (دقیقه ۷۳ تا پایان)
 جلسه ۹	دستور زبان: جمله ساده و مرکب، مبانی نقش یابی، افعال اسنادی (دقیقه ۱ تا ۱۰۱) درک مطلب و مفهوم درس ۷ (دقیقه ۱۰۱ تا پایان)	 جلسه ۲	املا درس ۷ تا ۱۳ (دقیقه ۱ تا ۷۴) درک مطلب درس ۲ تا ۵ (دقیقه ۷۴ تا پایان)
 جلسه ۱۰	دستور زبان: قید، منادا و تمرین نقش یابی (دقیقه ۱ تا ۶۰) درک مطلب و مفهوم درس ۸ و ۹ (دقیقه ۶۰ تا پایان)	 جلسه ۳	آرایه های ادبی: ابهام و پارادوکس (دقیقه ۱ تا ۸۲) املا درس ۱۴ تا پایان کتاب (دقیقه ۸۳ تا پایان)
 جلسه ۱۱	دستور زبان: نقش پذیرفتن جملات، نقش های تبعی، انواع را، نقش ضمائر پیوسته (دقیقه ۱ تا ۹۷) درک مطلب و مفهوم درس ۱۰ و ۱۱ (دقیقه ۹۷ تا پایان)	 جلسه ۴	آرایه های ادبی: حسن تعلیل، اسلوب معادله، تشبیه، اضافه تشبیهی، تضمین، تلمیح (دقیقه ۱ تا پایان)
 جلسه ۱۲	حذف اجزای جمله، شیوه بلاغی، زمان فعل، پی بردن به معنای واژه، واژه های چند معنایی، افعال چند معنایی، ساختارهای دستوری زبان کهن، انواع «ان»، واژگان هم آوا (دقیقه ۱ تا ۱۰۷) درک مطلب و مفهوم: زمینه های حماسه درس ۱۲ (دقیقه ۱۰۸ تا پایان)	 جلسه ۵	آرایه های ادبی: استعاره و مجاز (دقیقه ۱ تا ۹۸) درک مطلب و مفهوم درس ۶ (دقیقه ۹۹ تا پایان)
 جلسه ۱۳	زمینه های حماسه (دقیقه ۱۳ تا ۲۹) هفت وادی عطار (دقیقه ۲۹ تا پایان)	 جلسه ۶	آرایه های ادبی: ادامه تلمیح و استعاره و مجاز (دقیقه ۱ تا ۷۸) حسن آمیزی، جناس، سجع (دقیقه ۷۹ تا پایان)
 جلسه ۱۴	درک مطلب و مفهوم درس ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ (دقیقه ۱ تا ۶۸) حل نمونه سؤال و تحلیل امتحانات نهایی برگزار شده (دقیقه ۷۰ تا پایان)	 جلسه ۷	دستور زبان: گروه اسمی و وابسته های وابسته (دقیقه ۱ تا پایان)

فارسی دوازدهم در ۴۴ جلسه

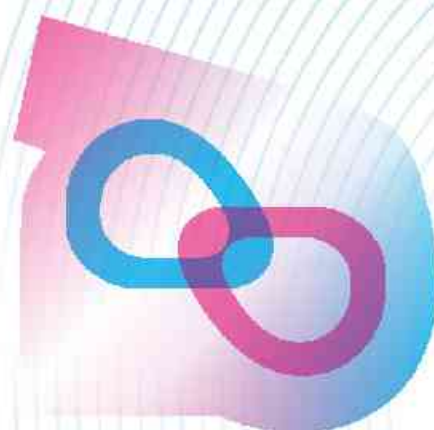


مراحل مشاهده ویدیوها در سایت gajlive.ir

- ۱ ابتدا کیوآرکد (QR Code) را اسکن کنید تا وارد سایت گاج لایو شوید.
- ۲ برچسب زیر را بخرشید و کد اختصاصی خود را در سایت وارد کنید.
- ۳ پس از دریافت پیام «دوره با موفقیت ثبت شد»، قفل ویدیوها از بخش کلاس های من برای شما باز خواهند شد.



در صورت بروز هرگونه مشکل با ۰۲۱-۶۴۲۰ تماس بگیرید



پشتیبانی



۰۲۱-۶۴۲۰



@ble.ir/gajlive

www.gajlive.ir

ستایش



ملکه، ذکر تو گویم

۱. **ملکه، ذکر تو گویم که تو پایی و خدایی** / **نروم جسز به بملن نه که توأم راه نمایی**

قلمرو زبانی مَلِک: ۱. پادشاه، خداوند ۲. نقش دستوری — مُنادا ۳. نشانه ندا — «ا» (ملکا) ۴. حذف — «یا تو هستم، به من گوش بده، توجه کن» (بعد از ملکا = مُنادا) حذف به قرینه معنایی / ذکر: یاد کردن، بر زبان راندن / مرجع ضمیر «تو» (در تمامی ابیات این شعر: معشوق (خداوند) / ذکر تو: ترکیب اضافی **دی ۹۸ خارج** / خدا: مسند / ره: متمم **دی ۹۸ خارج** / جمله پایانی بیت (= که توأم راه نمایی): به دو صورت، تَلْقُظ و معنی می‌گردد:

۱. ... که تو راهتمای من هستی [تو: نهاد / راهنما: مسند / ام (من): مضاف‌الیه (راهنمای من) / یی: مخفف «هستی» = فعل اسنادی]

۲. ... که تو به من راه (را) نمایی (نشان‌دهی): [تو: نهاد / ام (من): متمم (به من) / راه: مفعول / نمایی: فعل]

قلمرو ادبی قالب شعر: غزل / قافیه‌های این غزل (به ترتیب): خدایی، نمایی، سزایی، ثنایی، نیایی، جزایی، فزایی، رهایی / استعاره: مَلِک — استعاره از «معشوق = خداوند»

قلمرو فکری معنی: ای پادشاه (خداوند) نام تو را بر زبان می‌آورم، چرا که تو (پروردگار) مُنَزّه و پاک هستی. فقط به راهی که تو به من نشان می‌دهی قدم می‌گذارم. (جَز راهی که تو به من نشان دهی به راه دیگری نمی‌روم) / **مفهوم:** اشاره به صفات خداوند، از جمله پاکی و هدایتگری این بیت، یادآور مفاهیم سورة مبارکه «حمد» است.

۲. **همه نگاه تو جویم همه از فضل تو پریم** / **همه توحید تو گویم که به توحید سزایی**

قلمرو زبانی جویم: جست‌وجو می‌کنم / فَضْل: بخشش، کرم / جویم: از مصدر «پویدن»: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جُست‌وجوی چیزی؛ تلاش؛ رفتن **دی ۱۴۱ شهریور ۹۹ خارج** / بیزا: سزاوار، شایسته، لایق

قلمرو ادبی جناس ناهمسان (اختلافی): جویم و جویم / تکرار: همه، توحید، تو / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت»

قلمرو فکری معنی: فقط درگاه تو را جست‌وجو می‌کنم. به سبب بخشش و کرم تو در تلاش و حرکت هستم. فقط یگانگی تو را بر زبان می‌آورم که سزاوار توحید هستی. / **مفهوم:** برتری معشوق (خداوند) بر همه کس و همه چیز [فقط «معشوق» و دیگر هیچ] + اقرار به یگانگی خداوند

۳. **تو حکمی تو عسیمی تو کیری تو جیی** / **تو نماینده فضل تو سزاوار ثنایی**

قلمرو زبانی حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و بُرهان است و کار بی‌بهره انجام نمی‌دهد / کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن که آشکار و قُویدا می‌کند؛ نشان‌دهنده / ثَنّا: ۱. ستایش، سپاس ۲. هم‌آوا یا — «سنا»: روشنائی **دی ۹۷ خارج و دی ۱۴۱** / مُسندهای بیت: حکیم، عظیم، کریم، رحیم، نماینده و سزاوار (فضل و ثنا — هر دو: مضاف‌الیه) / ی (ای): همگی — مُخَفَّف فعلی اسنادی «هستی» (تو حکیم هستی، تو عظیم هستی و ...)

قلمرو ادبی تکرار: تو / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت» و مصوّت‌های «ی» و «ای»

قلمرو فکری معنی: تو دانا، بزرگ و بسیار بخشنده و مهربان هستی. تو نشان‌دهنده (دارای) فضل و بخششی و سزاوار ستایش. / **مفهوم:** ذکر صفات الهی

توان وصف تو گفتن که تو در فهم گنجی / توان شبه تو گفتن که تو در فهم نیایی

۱۳

قلمروزیبانی وصف: توصیف کردن، بیان و شرح چگونگی و حالت (هم خانواده «اوصاف، توصیف، موصوف و ...») / گنجی: جای نمی‌گیری (هم خانواده «گنجایش») / شبه: مانند، مثل، همسان **خرداد ۱۳۹۱** / وهم: پندار، تصوّر، خیال

قلمروادبی جناس ناهمسان (اختلافی): فهم و وهم / تکرار: توان، تو، گفتن / آرایه «موازنه» (ویژه علوم انسانی): توان / وصف / شبه / تو گفتن که تو در / تو گفتن که تو در / فهم / وهم / گنجی / نیایی / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت» **[تکتک]** / مصراع دوم تلمیح دارد به آیه «لیس کمثله شیء» (چیزی شبیه (مثلی) او وجود ندارد)؛ فقط اشکال کار، آن است که این آیه معروف در کتاب‌های فارسی دوره دبیرستان نیامده است!]

قلمروفکری **معنی:** توصیف تو را نمی‌توان برشمرد چرا که تو در فهم و إدراک محدود انسان نمی‌گنجی و نمی‌توان شبیه و ماندنی برایت ذکر کرد زیرا تو (حتی) به وهم و خیال نیز در نمی‌آیی. **دی ۹۹ خلیج / مفهوم:** ناتوانی انسان از وصف و درک خداوند
این بیت، ارتباط معنایی دارد با: ۱. با خرد و دانش خود آنچه خواهد، تواند. سنجش نیروی او در توان ما نیست. **خرداد ۱۳۹۳**. ۲. واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حقّ معرفتک. **دی ۱۳۹۳**

بهم غری و جلالی، همه علمی و نشینی / بهم نوری و سروری، همه جودی و جزایی

۱۴

قلمروزیبانی عزّ: ارجمندی، گرامی شدن؛ مقابل «ذَلّ» (هم خانواده «عزّت، عزیز و ...») / جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبرپایی او اشاره دارد / یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد / سرور: شادی، خوشحالی **خرداد ۱۳۹۱** / جود: بخشش، سخاوت، گرم / جزا: پاداشی کار نیک

قلمروادبی تکرار: همه / واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ای» و مصوّت کوتاه «ئ» / آرایه «ترصیع» (ویژه علوم انسانی): همه / همه / عزّی / نوری / جلالی / سروری / همه / همه / علمی / جودی / یقینی / جزایی

قلمروفکری **معنی:** تو تمامی ارجمندی، شکوه، دانش، یقین، نور، شادی، بخشش و پاداش هستی. **مفهوم:** ذکر صفات خداوند

بهم غیبی تو بلانی، همه صبی تو پیشی / بهم بیشی تو بکاهی، همه کتی تو قرایی

۱۵

قلمروزیبانی بیش: افزونی، زیادی / یکاهی: از مصدر «کاستن»: کم کنی (هم خانواده «گاهش») / کم: اندک / قرایی: بیقرایی، زیاد و افزون نمایی (هم خانواده «افزایش»)

قلمروادبی جناس ناهمسان (اختلافی): غیبی و عیبی / تضاد: ۱. بیشی و کمی ۲. یکاهی و فزایی / واج‌آرایی: تکرار مصوّت «ای» / تکرار: همه و تو / ترصیع [ویژه علوم انسانی] / تلمیح: بیت اشاره دارد به آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» [ترجمه آیه: (خداوند) هر آن کس را که بخواهد عزّت می‌دهد و هر آنکه را بخواهد ذلیل می‌گرداند]. **شهریور ۱۳۹۱**

قلمروفکری **معنی:** (خداوند) تو به تمام امور غیبی و ناپیدا آگاه هستی و همه عیب‌ها را می‌پوشانی؛ همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست. **شهریور ۹۹ خلیج**
مفهوم: ۱. عالم الغیب بودن خداوند ۲. ستار العیوب بودن پروردگار ۳. عزّت و ذلّت انسان‌ها در دست خداوند است.

لب و دمان سنایی، همه توحید تو کید / مگر از آتش هرنج جوشش روی نیایی

۱۶

حکیم سنایی غزنوی

قلمروزیبانی مگر: ۱. امید است (قید آرزو و تمنا) ۲. شاید (قید تردید) / دوزخ: جهنم / مرجع «ش» (بودش): سنایی / روی: مجاز از «چاره، امکان»

قلمروادبی لب و دندان: ۱. مراعات نظیر ۲. مجاز از «کَلّی وجود» / ایهام تناسب: روی: ۱. امکان و چاره (حضور معنایی دارد) ۲. صورت (معنی نمی‌دهد) / واژه‌های «لب و دندان» تناسب معنایی دارد. / مراعات نظیر: آتش و دوزخ **خرداد ۱۳۹۰ خلیج** / تخلص: «سنایی» / تخلص شاعر [تخلص، آرایه ادبی نیست] / مجاز: روی / مجاز از «چاره، امکان»

قلمروفکری **معنی:** لب و دندان (همه وجود = تمامی اعضای) سنایی، توحید و یگانگی تو را می‌گوید: به این امید که امکان رهایی از آتش جهنم برای او وجود داشته باشد. **دی ۹۷ خلیج / مفهوم:** وصف توحید خداوند به امید رهایی از آتش جهنم

درس اول

شکرِ نعمت



مَنْتِ خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش **مَنید** نعمت.

قلمرو زبانی مَنَت: سپاس، شُکر، نیکویی / عَزَّوَجَلَّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است (بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود) / طاعت: اطاعت، عبادت / قُربت: ۱. نزدیکی (هم‌خانواده قُرب، مقاربت، قرابت) ۲. هم‌آوا با «عُربت»: دوری (دی ۱۳۲) / مَزید: افزونی، زیادی / دو حرف اضافه برای یک متمم: به شکر اندرش [شکر: متمم / به: حرف اضافه اَوَّل / اندر = در: حرف اضافه دوم] / مرجع «ش» (طاعتش و اندرش): هر دو «خدا» / نقش «ش»: هر دو — مضاف الیه (طاعت او / شُکر او) / حذف: فعلی «است» (بعد از واژه «نعمت») به قرینه لفظی حذف شده است

قلمرو ادبی شیوه نگارش این درس: نثر «آهنگین و مُسَجَّع» (دارای سجع) / سجع: قُربت و نعمت

قلمرو فکری معنی: شُکر و سپاس، مخصوص خداوند گرامی و بلندمرتبه است؛ خداوندی که اطاعت از او موجب نزدیکی به اوست و شُکرگزاری او باعث افزایش نعمت است. **خرداد و دی ۹۹ خارج**
این عبارت، قرابت معنایی دارد با:

«شُکر نعمت، نعمت افزون کند» «گُفر نعمت از گُفت بیرون کند» (مولانا)

هر نفسی که فرومی‌رود، مُعِدِّ حیات است و چون برمی‌آید، **مُفَرِّج** ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شُکری واجب.

قلمرو زبانی هر نفسی: هر یک نفس / فرومی‌رود: پایین می‌رود: عمل «ذم» (در تنقُص) / مُعِدِّ: مَدَدکننده، یاری‌رساننده (هم‌خانواده «امداد») **دی ۹۸ و ۹۹ خرداد ۹۸ خارج**
۱. زندگی ۲. هم‌آوا با «حِیاط»: میدان، مُحَوَّطه / برمی‌آید: بالا می‌آید: عمل «بازذم» / مُفَرِّج: شادی‌بخش، قُتَح‌انگیز / ذات: وجود / حذف: فعل «است» (بعد از واژه‌های «ذات» و «واجب») به قرینه لفظی حذف شده است **خرداد ۹۸، خرداد ۹۸ خارج**

قلمرو ادبی تضاد: فرومی‌رود و برمی‌آید / سجع: ۱. فرومی‌رود و برمی‌آید ۲. حیات و ذات ۳. موجود و واجب [سجع متوازن — اشتراک فقط در «وزن»] **خرداد ۹۸**
قلمرو فکری معنی: هر نفسی که فرومی‌رود (ذم) یاری‌گر زندگی است **شهریور ۹۴** و وقتی بالا می‌آید (بازذم) شادی‌بخش وجود است. **خرداد ۱۴۴** پس در هر یک نفس (کشیدن) دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی یک شُکر واجب است. **شهریور ۹۹، دی ۹۸** / مفهوم: باید شُکرگزار لحظه لحظه زندگی بود.

از دست و زبان که بَرآید / کز عهده شکرش به مَآیِه

قلمرو زبانی که (مضارع اَوَّل): به معنی «چه کسی؟» / برآید: از مصدر «برآمدن»؛ به معنی «از عهده برآمدن، انجام دادن» / ش: ۱. مرجع — خداوند ۲. نقش — مضاف الیه مضاف الیه (وابسته و ایسته — عهده شُکر او) / استفهام انکاری: مضارع اَوَّل — از دست و زبان هیچ کس بر نمی‌آید

قلمرو ادبی دست و زبان: ۱. مراعات نظیر ۲. مجاز [دست — مجاز از «توانایی»، «عمل و کردار» / زبان — مجاز از «سخن و گفتار»] **خرداد ۹۹ خارج**

قلمرو فکری معنی: هیچ کس نمی‌تواند با کردار و گفتار خود، شُکر و سپاس خداوند را به جای آورد. **خرداد ۱۴۱، دی ۹۹ خارج** / مفهوم: عجز و ناتوانی انسان در سپاس‌گزاری از پروردگار.

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾.

قلمرو ادبی آرایه «تضمین»: سعدی، آیه‌ای از قرآن را در کلام خود آورده است [سوره سبا، آیه ۱۳]

قلمرو فکری معنی: ای خاندان داود، سپاس‌گزارید و عده کمی از بندگانی من، سپاس‌گزارند.

بند همان به که ز قصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد
وند، سزاوار خداندیش / کس تواند که به جای آورد

قلمرو زبانی به: بهتر / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن / عذر: معذرت‌خواهی، پوزش / ورنه: محقق «و اگر نه» / حذف: فعلی «است» (بعد از «به» مصراع اول) به قرینه معنایی حذف شده است **خرداد ۱۴۰۴** دی ۱۴۰۴ خراج، شهریور ۹۹ خرداد ۹۸ / مرجع ضمیر «خویش»: بنده

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه قطعه: «خدای» و «جای» / ردیف: «آورد»

قلمرو فکری معنی: بنده همان بهتر است که به خاطر کوتاهی (در عبادت و شکرگزاری) در پیشگاه خداوند پوزش بخواهد و گرنه آنچه را که سزاوار خداوند است، هیچ‌کس نمی‌تواند به جای بیاورد. / مفهوم: ناتوانی انسان از سپاس‌گزاری و شکرگزاری خداوند.

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و **خوان** نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.

قلمرو زبانی بی‌حساب: بی‌اندازه، فراوان / همه را: به همه [را: حرف اضافه به معنی «به»: همه] — متمم: / خوان: ۱. سفره، سفره قراخ و گشاده ۲. هم‌آوا با — «خان»: بزرگ، رئیس / بی‌دریغ: بی‌مُضایقه، بدون چشم‌داشت / حذف: فعلی «است» (بعد از «رسیده» و «کشیده») حذف به قرینه معنایی / زمان فعل‌های «رسیده» و «کشیده»: هر دو — ماضی نقلی (رسیده است و کشیده است)

قلمرو ادبی تشبیه: ۱. باران رحمت (رحمت: مشبّه / باران: مشبّه به) — اضافه تشبیهی ۲. خوان نعمت (نعمت: مشبّه / خوان: مشبّه به) — اضافه تشبیهی / سجع: رسیده و کشیده

قلمرو فکری معنی: رحمت فراوان خداوند همچون باران به همه رسیده **دی ۱۴۰۳** و نعمت بدون مُضایقه او مانند سفره‌ای گشاده در همه جا گسترده شده است. **خرداد ۱۴۰۴** قتی، شهریور ۱۴۰۳، خرداد ۱۴۰۴ خراج، خرداد ۱۴۰۴ خراج، شهریور ۹۸ / مفهوم: اشاره به «گسترده‌گی و فراگیری و همگانی بودن رحمت و لطف و نعمت الهی».

پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای قنکر نبرد.

قلمرو زبانی ناموس: آبرو، شرافت / فاحش: آشکار، واضح **دی ۱۴۰۳** / وظیفه: مُقَرَّری، وَجْه معاش / روزی: رزق؛ مقدار خوراک یا وَجْه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد / وظیفه روزی: رزق مُقَرَّر و مُعْتَن / بُریدن وظیفه: قطع کردن مُقَرَّری / مُنکر: زشت، ناپسند **خرداد ۱۴۰۴** / گروه اسمی: پردۀ ناموس بندگان [پرده: هسته گروه اسمی / ناموس: مضاف‌الیه / بندگان: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته و وابسته)]

قلمرو ادبی تشبیه: پردۀ ناموس (ناموس: مشبّه / پردۀ ناموس: مشبّه به) — اضافه تشبیهی / کنایه: پردۀ ناموس کسی را دریدن — کنایه از «رُسا و بی‌آبرو کردن کسی» / ندرد و نبرد: ۱. جناس ناهمسان (اختلافی) ۲. سجع **شهریور ۹۹ خراج**

قلمرو فکری معنی: (خداوند) آبروی بندگان را با وجود ارتکاب گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی و رزق مُقَرَّر آنان را با وجود خطاکاربودنشان قطع نمی‌کند.

خرداد ۱۴۰۳ قتی، دی ۱۴۰۱ خرداد ۱۴۰۴ و ۹۸ دی ۹۷ و ۹۶

مفهوم: جمله اول اشاره به «ستار العیوب» بودن خداوند **دی ۹۹ و دی ۹۷ خراج** جمله دوم اشاره به «زَّآقِیت» خداوند [«ستار العیوب» و «هُوَ الزَّاقِ»] این عبارت، ارتباط معنایی دارد با:

۱. ولیکن خداوند بالا و پست
 ۲. آدمیم زمین، سفره عام اوست
 ۳. دو کونش یکی قطره از بحر علم
 ۴. گرم‌های تو ما را کرد گستاخ
- به عصیان، در رزق بر کس نیست
برین خوان یغما چه دشمن چه دوست
گنه بیند و پرده پوشد به جلم
[آدیم: چرم]
[دوگون: دو جهان = دنیا و آخرت]

«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»، با قسمت «همه عیبی تو پیوشی» در مصراع «همه عیبی تو بدانی، همه عیبی تو پیوشی»، ارتباط معنایی دارد. **شهریور ۱۴۰۳**

فَرّاش یاد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترَد و **دایه** ابر بهاری را فرموده تا **نبات** نبات در مهد زمین برپورد.

قلمرو زبانی **فَرّاش**: فرش گستر، گسترنده فرش / صبا: ۱. بادی که از طرف شمال شرقی می وزد؛ باد بهاری ۲. هم آوا یا — «تبا»؛ شهری که بلقیس، ملکه آن شهر بود / زمردین: منسوب به زمرد [زمرد] — یکی از سنگ های قیمتی به رنگ سبز / دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می دهد یا از او پرستاری می کند / نبات، جمع «نبت»؛ دختران / نبات: گیاه، ژستنی / مهد: گهواره / حذف: فعل «است» (بعد از «گفته» و «فرموده») به قرینه معنایی حذف شده است [زمان هر دو فعل «گفته است» و «فرموده است» ماضی نقلی] / را: (هر دو) حرف اضافه به معنی «به» [«فَرّاش یاد صبا» و «دایه ابر بهاری»] — متمم [خرداد ۱۴۰۱ خارج]

قلمرو ادبی تشبیه: ۱. فَرّاش یاد صبا (یاد صبا: مشبّه / فَرّاش: مشبّه به) ۲. دایه ابر بهاری (ابر بهاری: مشبّه / دایه: مشبّه به) ۳. نبات نبات (نبات: مشبّه / نبات: مشبّه به) ۴. مهد زمین (زمین: مشبّه / مهد: مشبّه به) [همگی] — اضافه تشبیهی [شهریور ۱۴۰۱ دی ۱۴] / استعاره: فرش زمردین — استعاره از «سبزه ها و چمن ها» [خرداد ۱۴۰۱ قتی: خرداد ۱۴۰۱ شهریور ۱۴۰۱ دی ۱۴] / تشخیص: ۱. یاد صبا ۲. ابر بهاری ۳. نبات / جناس ناهمسان (افزایشی): فَرّاش و فرش / سجع: ۱. گفته و فرموده ۲. بگسترَد و برپورد / اشتقاق (ویژه علوم انسانی): فَرّاش و فرش

قلمرو فکری معنی: (خداوند) به یاد صبا که همچون فرش گسترده ای است، دستور داده که بر روی زمین، قرشی از چمن و سبزه بگستراند و به ابر بهاری که مانند پرستاری (دایه ای) است فرمان داده تا گیاهان را در گهواره زمین پرورش دهد. [خرداد ۱۴۰۱ شهریور ۱۴۰۱]

درختان را به خلعت نوروزی، قبا ی سبز ورق دربر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ریح، کلاه شکوفه بر سر نهاده.

قلمرو زبانی خلعت: جامه دوخته شده که فرد بزرگی به کسی ببخشد / قبا: جامه، جامه ای که از سوی پیش (جلو) باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند [خرداد ۱۴۰۱ قتی / ورق: برگ / دربر گرفته: پوشانده، به تن کرده / اطفال: جمع «طفل» / شاخ: شاخه درخت / قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن / موسم: فصل، هنگام، زمان / ربیع: بهار / حذف: فعل «است» (بعد از «دربر گرفته» و «نهاده») به قرینه معنایی حذف شده است [دربر گرفته (است) و نهاده (است)؛ ماضی نقلی] / را: ۱. اولی — حرف اضافه، به معنی «بر» ۲. دومی — نشانه فک اضافه [اطفال شاخ را ... بر سر] — بر سر اطفال شاخ

قلمرو ادبی تشبیه: ۱. قبا ی سبز ورق (ورق: مشبّه / قبا ی سبز: مشبّه به) ۲. اطفال شاخ (شاخ: مشبّه / اطفال: مشبّه به) ۳. کلاه شکوفه (شکوفه: مشبّه / کلاه: مشبّه به) [همگی] — اضافه تشبیهی / تشخیص: شاخ (به سبب کلاه و سر و اطفال) [برخی از همکاران، «درختان» را (به سبب دربر گرفتن و قبا و خلعت) و «ربیع» را (به خاطر قدوم = قدم نهادن) تشخیص می دهند] / مراعات نظیر: ۱. درختان، سبز، ورق، شاخ و شکوفه ۲. خلعت، قبا و کلاه / سجع: دربر گرفته و نهاده

قلمرو فکری معنی: بر تن درختان به عنوان لباسی نوروزی (عید)، برگ سبز پوشانده و با فرارسیدن فصل بهار بر سر شاخه های نودمیده مانند اطفال، کلاهی از شکوفه گذاشته است.

عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل یاسق گشته.

قلمرو زبانی **عصاره**: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ آفشره؛ شیره / تاک: درخت انگور، زَر [خرداد ۱۴۰۱ عتی] / مرجع «او» و «ش»: (هر دو) خداوند / شهید: عسل / فایق: برگزیده، برتر [خرداد ۱۴۰۱ دی ۱۴] / شهید فایق: عسل خالص / تخم خرما: هسته خرما / تربیت: پرورش / نخل: درخت خرما / یاسق: بلند، بالیده [خرداد ۱۴۰۱ قتی: خرداد ۱۴۰۱ شهریور ۱۴۰۱] / نقش دستوری «ش»: مضاف الیه — تربیت او / حذف: فعل «است» (در پایان هر دو جمله) حذف به قرینه معنایی [شده است / گشته است] — ماضی نقلی

قلمرو ادبی مراعات نظیر: تاک و خرما (نخل) / سجع: فایق و یاسق (!)، شده و گشته [دی ۱۴۰۱ دی ۱۴]

قلمرو فکری معنی: شیره انگور با قدرت خداوند به عسل خالص تبدیل شده [خرداد ۱۴۰۱] و هسته خرما با پرورش او به نخل بلندی بدل گشته است. [شهریور ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۱ خارج] / مفهوم: تأکید بر «قدرت و توانایی خداوند»

ابر و باد و نه و خورشید و فلک در کاند
تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بر تو سرگشته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

قلمرو زبانی مَه: مُحَقِّق «ماه» / فلک: آسمان / غفلت: بی خبری، ناآگاهی (هم خانواده غافل، مغفول، اغفال) / مرجع «همه»: همان «ابر و باد و ماه و خورشید و فلک» / از بهر: برای (حرف اضافه) / بهر: هم آوا یا — «بحر»؛ دریا / مرجع ضمیر «تو»: (هر سه) انسان / سرگشته: حیران، سرگردان / حذف: فعل «اند» (بعد از فرمانبردار) حذف به قرینه لفظی

نجه اگر بیت دوم به تنهایی در آزمون بیاید، آن گاه نوع این حذف، تغییر می کند به قرینه معنایی

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه های قطعه: «نخوری» و «نبری» / مجاز: نان — مجاز از «یزق و روزی» / ابر و باد و ماه و خورشید و فلک: ۱. مراعات نظیر ۲. مجاز از «گل آفرینش» / کنایه: (نانی) به کف آری — (روزی) به دست آوری [دی ۱۴۰۲] / واج آرای: (مصراع اول) تکرار مصوّت کوتاه «ه»

قلمرو فکری معنی: ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان (تمامی پدیده‌ها) مشغول کارند تا اینکه تو روزی خود را به دست آوری و در غفلت و بی‌خبری (از یاد خداوند) از آن استفاده نکنی. همه پدیده‌ها برای آسایش تو در اختیار قرار داده شده‌است (فرمانبردار تو هستند)؛ حال، دور از انصاف و عدالت است که تو از خالق پدیده‌ها (= خداوند) فرمانبرداری نکنی.

مفهوم: ۱. برخذر داشتن انسان از غافل بودن از یاد و ذکر خداوند. **دی ۱۴۰۲، خارج** ۲. دست به دست دادن همه پدیده‌ها برای رساندن روزی به انسان‌ها ■ این قطعه با بیت زیر، ارتباط معنایی دارد:

«گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش»

در خبر است از شرور کاینات و مفسر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تنقه دور زمان، محمّد مصطفی (ص).

قلمرو زبانی خبر: حدیث، روایت / سرّور: رئیس، بزرگ، پیشوا / کاینات: جمع «کاینه»؛ همه موجودات جهان / مفسر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه افتخار / صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر **خرداد ۱۴۰۴، شهریور ۹۹** / تنقه: باقی مانده / تنقه دور زمان: مایه تمامی و کمال گردش روزگار؛ مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت / مصطفی: برگزیده

قلمرو فکری معنی: در حدیثی از سرّور موجودات و مایه افتخار جهانیان و موجب رحمت و بخشایش انسان‌ها و برگزیده افراد بشر و مایه کمال گردش روزگار، محمّد مصطفی، که درود و سلام خداوند بر او و خاندانش باد، نقل شده‌است که ... [حدیث پیامبر، بعد از سه بیت بعدی آمده‌است] هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار...]

شعاع نئی کیم / نسیم نسیم نسیم

قلمرو زبانی شفع: شفاعت کننده، پامرد / مطاع: فرمانروا؛ اطاعت شده؛ کسی که دیگری، فرمان او را می‌تزد **خرداد ۱۴۰۰، خارج** / نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول / کریم: بخشنده، صاحب کرم / قسیم: صاحب جمال / نسیم: خوش اندام / نسیم: خوش بو / نسیم: دارای نشان پیامبری **دی ۹۸، خارج**

قلمرو ادبی جناس ناهمسان (اختلافی): قسیم، نسیم، جسیم، نسیم، وسیم / واج آرایی: تکرار صامت‌های «س»، «م»، «ن» و تکرار مصوّت «س» و «ای» / آرایه موازنه [ویژه علوم انسانی]

قلمرو فکری معنی: او [پیامبر(ص)] شفاعت کننده، فرمانروا، پیام‌آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش اندام، خوش بو و دارای نشان پیامبری است.

تلخ انخل بکاف کشف الدجی و بخار / خشت نجیب خصلت صواب ملوا علی ذاک

قلمرو زبانی تلخ: رسید / القی: مرتبه بلند و والا (هم خانواده «علو، اعلی») / کشف: برطرف کرد، آشکار ساخت / الدجی: تاریکی‌ها / جمال: زیبایی / خشت: زیبا است / خصال: خوی‌ها، طینت‌ها؛ جمع «خصلت»

قلمرو ادبی واج آرایی: تکرار صامت‌های «ل» و «ه»

قلمرو فکری معنی: (پیامبر) به سبب کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال نورانی خود، تاریکی‌ها را برطرف کرد. همه خوی‌ها و صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.

چه غم ویر است تا که در چون تو پشیمان؟ / چه باک از موج بحر آن تا که باشد نوح کشتیان؟

قلمرو زبانی اُمت: پیروان یک پیامبر؛ جماعت؛ گروهی از مردم / باک: ترس، هراس / بحر: دریا. ۱. دریا. ۲. هم‌آوا با — «تهر»؛ برای (حرف اضافه) / مرجع «تو»؛ پیامبر(ص) / استقهام [نکاری]: ۱. چه غم؟ — غمی نیست؟ ۲. چه باک؟ — باکی وجود ندارد / حذف: فعل «است» (بعد از «غم و باک») به قرینه معنایی حذف شده است

قلمرو ادبی قافیه بیت: پشیمان و کشتیان / تشبیه: دیوار اُمت (امت: مشبه / دیوار: مشبه به) — اضافه تشبیهی / تلمیح: اشاره به «داستان حضرت نوح (ع)» / مراعات نظیر: نوح، موج، بحر و کشتیان **خرداد ۹۹، خارج** / جناس ناهمسان (اختلافی): پشیمان و کشتیان / اسلوب معادله: بیت دارای اسلوب معادله است. [امت با پشیمانی تو غمی ندارد همان‌گونه که هیچ‌کس با کشتیمانی نوح از موج دریا نمی‌هراسد]. **دی ۱۴۰۲، خارج، خرداد ۱۴۰۳**

قلمرو فکری معنی: (ای پیامبر) اُمتی که پشیمانی مثل تو دارد، هیچ غمی نخواهد داشت **دی ۱۴۰۳** و کسانی که کشتیان و هدایت‌گری چون نوح داشته باشند از امواج مشکلات و حوادث، ترسی ندارند.

مفهوم: ۱. دلگرم و امیدوار بودن امت اسلام به کمک و شفاعت پیامبر(ص) ۲. ترسیدن به سبب داشتن رهبر و فرمانده **خرداد ۱۴۰۱ و ۹۸، خارج، دی ۹۷**

هر گه که یکی از بندگان گناهکار برپیشان روزگار دست **انابت** به امید اجابت به درگاه حق جَلَّ وَّعَلَا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند بازش بخواند؛ باز **اعراض** فرماید بار دیگرش به **تضرع** و زاری بخواند.

قلمرو زبانی برپیشان روزگار: بدبخت، بیچاره / انابت: توبه؛ بازگشت به سوی خدا؛ پشیمانی **خرداد ۹۹** / اجابت: پذیرفتن، قبول کردن / جَلَّ وَّعَلَا: بزرگ و بلند قدر است / باز: دوباره / ش (هر دو): ۱. مرجع: خداوند ۲. نقش دستوری: (هر دو) مفعول — او را بخواند / اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی **خرداد ۱۴۱۱** / تضرع: زاری کردن، التماس نمودن / بخواند: صدا زدن — مضارع اخباری **خرداد ۱۴۰۴** / ترادف: تضرع و زاری

قلمرو ادبی کنایه: ۱. برپیشان روزگار — کنایه از «بیچاره» ۲. نظر نکند — کنایه از «بی توجهی» / جناس ناهمسان (اختلافی): انابت و اجابت / سجع: بردارد، نکند، بخواند، فرماید و بخواند

قلمرو فکری معنی: هر زمانی که یکی از بندگان گناهکار و بیچاره، دستان خود را برای توبه و پشیمانی و به امید آموزش و پذیرفته شدن به درگاه خداوند — که والا قدر و بزرگ است — بلند می کند **خرداد ۱۴۰۳**، خداوند بزرگ به او توجهی نمی کند. دوباره خداوند را صدا می زند، پروردگار، باز (از او) روی برمی گرداند، آن بنده، بار دیگر با التماس و زاری، خدا را صدا می زند (و طلب آموزش می کند). **دی ۱۴۰۲** / **خارج** / مفهوم: توبه به درگاه خدا **شهریور ۱۴۰۱**

حق، شُبْحَانَهُ و تعالی فرماید: یا مَلَائِكَتِي قَدْ اسْتَحْيَيْتَ مِنْ عِبْدِي و اَلَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

قلمرو زبانی یا ملائکتی: ای فرشتگان من (یا = حرف ندا / ملائکه = فرشتگان / ی = من) / قد استحييت: من شرم دارم (استحييت: هم خانواده «حیا» = شرم) / من عبدی: از بنده ام (عبد = بنده) / و لیس: و نیست / لَه غیری: برای او غیر از من کسی (= پناهی) / فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ: پس او را آمرزیدم (غَفَر: هم خانواده «استغفار» = آمرزش)

قلمرو ادبی سجع: کردم و برآوردم و دارم / تضمین: آوردن حدیث «یا ملائکتی ...»

قلمرو فکری معنی: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس آمرزیدمش.

■ ارتباط معنایی دارد یا: «قبول است اگرچه هنر نیستش» که جز ما پناهی دگر نیستش

گرم بین و لطف خداوندگار / گزیده که ست و او شرمسار

قلمرو زبانی مرجع «او»: خداوند / حذف: فعل «بین» (بعد از «خداوندگار» به قرینه لفظی حذف شده است **شهریور ۱۴۰۲**) / حذف: «است» (پایان بیت) — حذف به قرینه لفظی (شرمسار: مُسْنَد) / او: (هر دو) نشانه ربط (پیوند) هم پایه ساز — بین دو جمله آمده اند / خداوندگار: واژه دوتلفظی (خداوندگار، خداوندگار)

قلمرو ادبی قافیه بیت: خداوندگار و شرمسار / تلمیح: بیت، تلمیح و اشاره دارد به همان روایت بالا «یا ملائکتی قد استحييت من عبدی و لیس له غیری فقد غفرت له»

قلمرو فکری معنی: گرم و لطف و محبت خداوند را بین؛ بنده مرتکب گناه شده (ولی) خداوند شرمنده است: **شهریور ۱۴۰۰**

مفهوم: اشاره به لطف و گذشت و مهربانی پروردگار

■ ارتباط معنایی دارد یا: «الهی زهی خداوند پاک که بنده گناه کند و تو را شرم، گرم بود.» تذکرة الاولیای عطار

عاکفان کعبه جلالتش به **تقصیر** عبادت **معترف** که: ما عِبْدُناک حَقَّ عِبَادَتِکَ، و **واصفان** حلیه جمالتش به **تحیر** **منسوب** که: ما عَرَفْناک حَقَّ مَعْرِفَتِکَ.

قلمرو زبانی عاکفان: جمع عاکف؛ کسانی که در مدتی مُعَین در مسجد میمانند و به عبادت میپردازند **دی ۹۹** / جلال: عظمت، بزرگی / تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن (هم خانواده «مُقَصِّر، قاصر، قُصور») / مُعترف: اقرارکننده، اعتراف کننده / ما عِبْدُناک حَقَّ عِبَادَتِکَ: ما چنان که شایسته است، تو را پرستش نکردیم / واصفان: جمع «واصف»؛ وصف کنندگان، ستاینندگان (هم خانواده «وصف، توصیف، صفت، موصوف») / حلیه: زیور، زینت / تحیر: سرگشتگی، سرگردانی (هم خانواده «حیرت، حیران، مُتَحیر») / منسوب: ۱. نسبت داده شده ۲. هم آوازا — «منسوب»: گماشته شده / ما عَرَفْناک حَقَّ مَعْرِفَتِکَ: ما آن چنان که سزاوار شناسایی توست، تو را نشناختیم / حذف: فعلی «هستند» (بعد از «معترف» و «منسوب») — حذف به قرینه معنایی / مرجع «ش»: (هر دو) خداوند

قلمرو ادبی تشبیه: حلیه جمال (جمال: مشبه / حلیه: مشبه به — اضافه تشبیهی) / جناس ناهمسان (اختلافی): جلال و جمال / تضمین: ۱. ما عِبْدُناک حَقَّ عِبَادَتِکَ ۲. ما عَرَفْناک حَقَّ مَعْرِفَتِکَ

قلمرو فکری معنی: عابدان گوشه نشین خانه جلال خداوند به کوتاهی در عبادت، اعتراف می کنند که تو را چنان که شایسته است، پرستش و عبادت نکردیم و ستاینندگان زیور جمال خداوند، خود را به سرگردانی و حیرت نسبت می دهند که تو را چنان که سزاوار توست، نشناختیم. **خرداد ۹۸**

■ عبارت «واصفان حلیه جمالتش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حَقَّ معرفتک»، ارتباط مفهومی دارد با:

۱. هیچ نقاشی نمی بیند که نقشی برکشد
۲. نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

و آن که دید، از حیرتش کلک از تنان افکنده ای

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

دی ۱۴۰۳

کر کسی وصفِ او ز من پرسد
بی دل از بی شمن چه گوید باز؟

ماشمان کُششکانِ مشوق اند
بر نیاید ز کُششکانِ آواز

قلمروزیبائی بی دل: عاشق، دلدادہ، بی نشان: خداوند بی نشان / باز: آشکارا / منظور از «او»، «من»، «بی دل» و «بی نشان»: به ترتیب — «خداوند»، «سعدی» (شاعر و نویسنده)، «سعدی» و «خداوند» / تراؤف: بی دل و عاشق / استفهام انکاری: چه گوید باز؟ — نمی تواند بگوید / پرسد: مضارع التزامی خداوند ۱۳۴

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه‌ها: «باز» و «آواز» / واج‌آرایی: مصراع سوم ← تکرار صامت «ش» / کنایه: بی‌دل ← کنایه از «عاشق» / اشتقاق (ویژه علوم انسانی): عاشقان و معشوق

قلمرو فکری معنی: اگر شخصی، توصیف خداوند را از من سؤال کند؛ من عاشق (بی‌دل = شاعر = سعدی) از خدایی که نشانی از او ندارم، خدا ۱۴٪ می‌گوید چگونه آشکارا سخن بگویم؟ عاشقان همواره در راه معشوق گشته و فدا می‌شوند و از گشتگان هرگز صدایی بر نمی‌خیزد.

مفهوم: عجز و ناتوانی شاعر از وصف عظمت خداوند، تأکید بر خاموشی و رازداری در عشق. مرید ۱۴۰۳، خرداد ۱۴۰۰، خارج

ارتباط معنایی دارد با:

«تا خبر دارم از او بی خبر از خویشتم با وجودش ز من آواز نیاید که منم»

یکی از صاحب‌دلان سربه جیب **مراقبت** فروبرده بود و در بحر **مکاشفت** مستغرق شده؛ آن‌گه که از این **معاملت** بازآمد، یکی از یاران به طریق **انسیاط** گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه **تحفه کرامت** کردی؟»

قلمروزیانی صاحب‌دل، خداشناس، عارف / جَبّ: گریبان، بَقّه: شهبور ۱۳۰۲ / مُراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمالِ توجّه پنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتنِ دل از توجّه به غیر حق **خرداد** ۹۸، دی ۹۹ / حارج: مُکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن؛ در اصطلاح عرفانی، بی بُردن به حقایق است / مُستغرق: غرق شده (هم خانوادهٔ «غرق، غریق، غرقه».) / معاملات: اعمالِ عبادی؛ احکام و عبادات شرعی؛ در متن درس، مقصود همان «کارِ مُراقبت و مُکاشفت» است **خرداد** ۹۸ / انبساط: حالتی که در آن، احساسِ بیگانگی و ملاحظه و رودریاستی نباشد، خودمانی شدن **خرداد** ۱۴۰۰ / به طریق انبساط: به شیوهٔ صمیمی و خودمانی **خرداد** ۱۴۰۰ / تحفه: هدیه، ارمغان / کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن / «را» (مارا): حرف اضافه به معنی «برای» [ما = منتم] / حذف: فعل «بود» (بعد از «شده») به قرینهٔ لفظی حذف شده است / ترکیب وصفی: این بوستان، چه تحفه **دی** ۱۳۶۳ / ترکیب اضافی: طریق انبساط **دی** ۱۳۶۳

قلمرو ادبی کنایه: ۱. سر به جیب مراقبت فرو بردن ← کنایه از «تأمل و تفکر عارفانه و حفظ دل از هر چه غیر خداست» ۲. در بحر مکاشفت مستغرق شدن ← کنایه از «کشف حقایق و پی بردن به آنها» / تشبیه: بحرِ مکاشفت (مکاشفت: مشبه / بحر: مشبیه ← اضافه تشبیهی) / استعاره: بوستان ← استعاره از «معرفت الهی، عرفان، خداشناسی» / سجع: ۱. ثرُده و شده ۲. بودی و کردی

قلمرو فکری معنی: یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه، در دریای کشف اسرار الهی غرق شده بود؛ **خرداد ۱۱** زمانی که از این حالت معنوی (مراقبت و مکاشفت) خارج شد، یکی از دوستان با حالتی خودمانی و بدون رودربایستی به او گفت: از این بوستان (سیر و سیاحت روحانی و عارفانه) که بودی برای ما چه هدیه‌ای آوردی؟ **خرداد ۱۴۰۰**

گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گُلَم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

قلمرو یبائی چون: (هر دو) هنگامی که [آداب تشبیه نیستند] / اصحاب؛ یاران / را؛ حرف اضافه، به معنی «برای» / «م». ۱. بوی گُلُم ← مفعول (بوی گُل، مرا مست کرد). خرداد ۱۴۲۰ / اردیبهشت ۱۴۲۱ / دامنم ← مضاف الیه (دامن از دست من برفت). خرداد ۱۴۲۰ / آبی / مست؛ مسند. خرداد ۱۴۲۰ / بوی گلَم جنان مست کرد؛ حملهٔ پایه. خرداد ۱۴۲۰.

قلمرو ادبی استعاره: ۱. درخت گُل ← استعاره از «عشق و معرفت الهی» مرداد ۱۴۰۳ دی ۱۴۰۲ خراج ۲. بوی گُل ← استعاره از «جلوه‌های عشق و معرفت» / کنایه: دامن از دست رفتن ← کنایه از «بی‌اختیار و از خود بی خود شدن» دی ۱۴۰۲ خراج دی ۹۷ / جناس ناهمسان (اختلافي): مست و دست / سج: داشتم، رسم، گنم، برسیدم [سؤال: چرا دو واژه «مست و دست» را در این متن نمی‌توانیم «سج» تلقی کنیم؟ پاسخ: زیرا واژه‌های بعد از این دو کلمه، تکراری نیستند (متفاوت‌اند). چنانچه بعد از این دو واژه، فعلی مثل «نمود» تکرار می‌شود؛ آنگاه می‌توانستیم «مست و دست» را سج به حساب آوریم (مثل قافیه و ردیف): «بوی گلم چنان مست نمود که دامنم از دست نمود.»]

سج	واژه تکراری	سج	واژه تکراری
	معادل «ردیف»		

معنی: گفت در نظر داشتم وقتی که به درخت گل رسیدم، دامنی از گل و شکوفه به عنوان هدیه برای دوستان پُر کنم؛ وقتی رسیدم، بوی گل، آن چنان مرا مست و از خود بی خود کرد که زمام و اختیار را از دست دادم. / **مفهوم:** از خود بی خود شدن عاشق، هنگام وصال **دی ۹۷**

ای مرغ سحر عاشق ز پروانه پیامور
کان سوت را جان شد و آواز نیامد
این ز عین در طلبش بی خبران نه
کان را که خبر شد خبری باز نیامد

گلستان، سعدی

قلمرو زبانی مرغ سحر: ۱. در اینجا منظور «بلبل» ۲. نقش: مُنادا / کان: که آن / سوخته: مقصود «پروانه» / را (مصراع دوم): نشانهٔ فکت اضافه [کان سوخته را جان ← جان آن سوخته (آن: صفت مضاف الیه (وابسته و وابسته)) [خرداد ۱۴۳] / جان شد: کشته شد، جانش فدا شد / مُدعی: ادعاکننده (در اینجا، یعنی «لاف زن، بیهوده گو، خودستا» / ش: ۱. مرجع ← خداوند = معشوق ۲. نقش ← مضاف الیه [طلب او]

قلمرو ادبی قالب شعر: قطعه / قافیه‌ها: آواز و باز / ردیف: «نیامد» / نماد: ۱. مرغ سحر (بلبل) ← در اینجا، نماد «عاشق غیر حقیقی و مُدعی» ۲. پروانه ← در اینجا، نماد «عاشق واقعی و بی‌ادعا» [خرداد ۱۴۸، شهرنور ۱۸] / مراعات نظیر: مرغ و پروانه / تکرار: خبر

قلمرو فکری معنی: ای پرندۀ سحرگاهی (بلبل) عشق واقعی را از پروانه یاد بگیر، زیرا پروانه در راه عشق، جان خود را فدا می‌کند ولی صدایی از او بلند نمی‌شود. اینان که ادعا می‌کنند معشوق (خداوند) را شناخته‌اند، در واقع از او بی‌خبر هستند، زیرا کسی که خدا را شناخت، دیگر خبری از او به دیگران نخواهد رسید. / مفهوم: تأکید بر «رازداری در عشق و بی‌ادعایی» [شهرنور ۱۴۳] این قطعه، ارتباط معنایی دارد با:

۱. از نارسیدگی است که صوفی کند خُروش
 ۲. آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
 ۳. عاشقان گشتگان معشوق‌اند
 ۴. تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتم
 ۵. هر که را آسِ راز حق آموختند
- سیلاب چون به بحر رشد می‌شود خُموش
از میان جمله او دارد خبر
بر نیاید ز کشندگان آواز
با وجودش ز من آواز نباید که منم
مهر کردند و دهانش دوختند

[شهرنور ۱۴۳]

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ | جدول زیر را به کمک متن درس، کامل کنید.

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	-----
شادی بخش	-----
به خدای تعالی بازگشتن	-----
قطع کردن مُقَرّری	-----

۲ | سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

۳ | از متن درس برای کاربرد هریک از حروف زیر، سه واژه مهمّ املایی بیابید و بنویسید.

ح (-----) / ق (-----) / ع (-----)

۴ | در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متّصل را مشخص کنید.

«بوی گُلَم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

۵ | در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هریک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

پاسخ ۱ به ترتیب «وسیم»، «مفّح»، «انابت» و «بُردن وظیفه»

۲ قربت: نزدیکی (هم‌آوا با ← غربت: دوری) / حیات: زندگی (هم‌آوا با ← حیاط: مُحَوّطه) / خوان: سفره (هم‌آوا با ← خان: رئیس، بزرگ)

۳ «هم‌آوا» به واژه‌هایی گفته می‌شود که در «تلقظ» یکسان هستند اما در «نوشتن، معنی و املا» متفاوت می‌باشند.

۳ ح (حیات، مُفَتِّح، فَاجِش) / ق (قُرْبِت، تَقْصِیر، قَبَا) / ع (عُذْر، خَلْعَت، رِبِيع)

۴ م (گُلُم) ← مفعول [یوی گل م] را چنان مست کرد / م (دامنم) ← مضاف‌الیه [دامن از دست م] برفت

۵ حذف فعل به قرینه لفظی:

«است» (بعد از واژه «نعمت» [بند اول درس]) به قرینه لفظی حذف شده است. / «است» (بعد از دو واژه «ذات» و «واجب» [بند اول]) به قرینه لفظی حذف گردیده است.

حذف فعل به قرینه معنایی:

فعل «است» (بعد از «بنده همان یه») به قرینه معنایی حذف شده است. / «است» (بعد از واژه‌های «رسیده» و «کشیده») به قرینه معنایی حذف شده است.

قلمرو ادبی

۱ | واژه‌های مشخص شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

• ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

۲ | با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

• باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

• فَرّاشِ بادِ صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهد زمین بپرورد.

الف) آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

ب) قسمت مشخص شده، بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

پروانه: نماد «عاشق واقعی و بی‌ادعا»

استعاره

۱ پاسخ • مرغ سحر: نماد «عاشق غیرحقیقی و مدعی»

۲ الف سجع و تشبیه [اضافه تشبیهی]

قلمرو فکری

۱ | معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

• عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که؛ ما عَبدناک حقَّ عِبَادَتِک.

• یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

۲ | مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

• ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

• چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

• گر کسی وصف او ز من پرسد

۳ | از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد

(سعدی)

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

۱ پاسخ • معنی: عابدان گوشه‌نشین خانه جلال خداوند به کوتاهی در عبادت، اعتراف می‌کنند که تو را چنان که شایسته است، عبادت نکردیم.

مفهوم: ناتوانی در پرستش سزاوارانه خداوند

• معنی: یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه، در دریای کشف اسرار الهی غرق شده بود.

• مفهوم: بیانگر حالت «مراقبه و تفکر» و «مکاشفه = کشف اسرار حق» [نثر: سخی غیرمنظوم (هم‌آوا با ← نثر: پیروزی)]

۲ • برخیز داشتن انسان از غفلت از یاد و ذکر خداوند

• ستایش پیامبر (ص) و امید به حمایت آن حضرت

• ناتوانی از توصیف عظمت پروردگار

۳ • واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که؛ ما عرفناک حق معرفتک

هسج نقاشت نی بیند که قش بر کشد دان که دید از میرش کس از بنان آخته ای

قلمرو زبانی «ت» (نقاشت): ۱. مرجع ← معشوق (خداوند) ۲. نقش ← مفعول (... تو را نمی بیند) / برکشد: به تصویر بکشد، نقاشی کند / وان: و آن / حیرت: شگفتی، حیرانی / «ش» (حیرتش): ۱. مرجع ← نقاش ۲. نقش ← مضاف الیه (بنان او) / کلک: قلم / تَنان: سرانگشت، انگشت

قلمرو ادبی نقاش و نقش: ۱. جناس ناهمسان (افزایشی) ۲. اشتقاق (ویژه علوم انسانی) ۳. مراعات نظیر / کنایه: کلک از بنان افکندن ← کنایه از «شگفتی، حیرانی و ناتوانی»

قلمرو فکری **معنی:** هسج نقاشی تو را بتواند که بتواند تو را نقاشی کند؛ و هر آن کس که تو را مشاهده کرد، از حیرت و شگفتی، قلم از انگشتانش انداخته ای! **مفهوم:** ناتوانی در مشاهده، شناخت و توصیف خداوند **خرداد ۹۸**

کنج حکمت: بکان

گویند که بقی در آب، روشنائی ستاره می دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می کرد تا بگیرد و هیچ نمی یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنائی است؛ قصدی نیبوستی و ثمرت این تجرّبت، آن بود که همه روز گرسنه بماند.

کلّیه و دمنه، ترجمه نصرالله منشی **خرداد ۱۴۰۴**

قلمرو زبانی گویند: نقل و روایت می کنند / بَط: مرغابی / قصد: نیت، اراده / بگیرد: ماهی ها را شکار کند؛ ماهی گیری / بیازمود: امتحان و آزمایش کرد / فرو گذاشت: رها کرد / دیگر روز: روز دیگر = فردا [از ویژگی های دستور تاریخی که گاهی صفت مبهم «دیگر» در جایگاه وابسته پیشین قرار می گرفته است] / «بدیدی»، «نُردی» و «نیبوستی»: هرسه فعل، «ماضی استمراری» (به روش گذشته) هستند [می دید، می بُرد و نمی پیوست] / ثمرت: ثمره، نتیجه / تجریت: تجربه

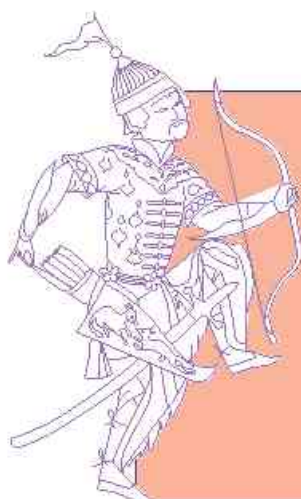
قلمرو فکری **معنی:** روایت می کنند که یک مرغابی در آب، نور ستاره ها را می دید و فکر می کرد که این روشنائی، ماهی است، اراده (تلاش) می کرد تا آنها را بگیرد ولی هیچ چیز دستگیرش (تصبیح) نمی شد. چون چندین بار، این کار را امتحان کرد و نتیجه ای نگرفت، (کَلّا این کار را) رها کرد. روز دیگر هر وقت ماهی (واقعی) می دید، تصوّر می کرد که (این ماهی ها) همان روشنائی (دروغین) است و به آن توجهی نمی کرد و نتیجه این تجربه، آن بود که او همیشه گرسنه می ماند.

مفهوم: ۱. مقایسه نابه جا و ناپُردانه ۲. نتیجه مقایسه نابه جا، شکست و بی چیزی و ناکامی است.

ایستگاه ادب

ذکر و یاد کردن / فضل و بخشش / توحید و یگانه پرستی / سزا و سزاوار و لایق / حکیم و دانا / عظیم و بزرگ / رحیم و مهربان / ثنا و ستایش **(خرداد ۱۴۰۴)**

خرداد ۱۴۰۳ / شهریور ۱۴۰۲ / وصف و توصیف / شبّه و شباهت **(خرداد ۱۴۰۲)** / وهم و خیال / عزّ و عزیز و عزّت / یقین و باور / شرور و شادی / جزا و پاداش / غیب و نهانی / پکاهی و کاهش دهی / فزایی و زیاد نمایی / سنایی غزنوی (شاعر) / مئت و سپاس / غزّ و جَلّ، گرمی و بلندمرتبه / طاعت و عبادت و اطاعت / قُرب و نزدیکی **(دی ۱۴۰۲ خراج)** / مزید و زیادی / حیات و زندگی / مَفَرّج و شادی بخش / ذات و وجود / عهده و تعهّد / قلیل و کم / تقصیر و کوتاهی / غلر و معذرت خواهی / خوان و سفره / بی دریغ و بدون مضایقه / ناموس و آبرو / فاجش و آشکار / وظیفه و مقرّری / یاد صبا / زُمرّد، سنگ سبز قیمتی / نبات و دختران / نبات و گیاه / مهد و گهواره / خلعت و جامه / قبا و لباس / وَزَق و برگ درختان / اطفال و بچه ها / قُدوم و قدم نهادن / موسم و هنگام / ربیع، بهار / عُصاره و شیره / تاک، انگور، رز / شَهد و غسل / فایق و برگزیده **(شهریور ۹۹ خراج و شهریور ۹۸)** / باسِق و بلند **(خرداد ۹۸ خراج)** / غفلت و بی خبری / از بهر، برای **(دی ۱۴۰۲، دی ۱۴۰۰، خرداد ۱۴۰۰ خراج، خرداد ۹۸)** / شرط و شروط / انصاف و عدالت / سرور و رئیس / صَفُوت و برگزیده **(خرداد ۱۴۰۳، دی ۱۴۰۲ خراج)** / تنقه و باقی مانده / مُصطفی و برگزیده / شَفیع و شفاعت کننده / مُطاع و فرمانروا **(شهریور ۱۴۰۳)** / قسیم و صاحب جمال / جسیم و خوش اندام / نسیم و خوش بو / وسیم / بحر، دریا **(خرداد ۹۹)** / نوح پیامبر / انابت و توبه و پشیمانی / جَلّ و غلا، بزرگ و بلند قدر است / ایزد تعالی / نظر و نگاه / اعراض و روی گردانی / تَصَرُّع و زاری / عاکف و عابد / مُعترف، اعتراف کننده / واصف و وصف کننده / جلیه و زیور / تحیّر و سرگشتگی / منسوب و نسبت داده شده **(خرداد ۱۴۰۰، خرداد ۹۹، شهریور ۹۹ خراج)** / مُراقبت و نگاهداری / مُستغرق و غرق شده / طریق و روش / انبساط و خودمانی شدن / تحفه و ارمغان **(خرداد ۱۴۰۲ قلی)** / اصحاب و یاران / سحر و صبح / مدّعی و ادّعا کننده / ظَلَب و خواستن / حیرت و تحیّر / بَط، مرغابی / قصد و نیت / فرو گذاشت و رها کرد [فرو گذاشت] / ثمرت و نتیجه / تجرّبت و تجربه / کلّیه و دمنه، نصرالله منشی



سؤالات تشریحی

امتحان نهایی	دی ۱۴۰۴	شهریور ۱۴۰۴	خرداد ۱۴۰۴	دی ۱۴۰۳	شهریور ۱۴۰۳	خرداد ۱۴۰۳	دی ۱۴۰۲
قلمرو							
زبانی	۰/۵	۰/۷۵	۱	۰/۵	۰/۲۵	۱	۰/۵
ادبی	۰/۲۵	۰/۲۵	-	-	۰/۲۵	-	۰/۵
فکری	۱	۰/۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۷۲۵	۱	۰/۵

معنی واژه

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. همه نوری و سروری
 ۲. همه جودی و جزایی
 ۳. تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی
 ۴. یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.
 ۵. بازش بخواند، باز اعراض کند.
 ۶. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
 ۷. خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.
 ۸. این مدعیان در طلبش بی خبران‌اند.
 ۱۶. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
 ۱۷. معادل درست توضیح عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.
 ۱۸. «کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست.» (مراقبت / مکاشفت)
۹. واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.
 ۱۰. طاعتش موجب قربت است.
 ۱۱. در خبر است از سرور کاینات و صفوت آدمیان.
 ۱۲. هر نفسی که فرو می‌رود، ممد حیات است.
 ۱۳. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.
 ۱۴. تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
 - (شهریور ۹۵، ۹۹ و خرداد ۱۴۰۰)
 - (دی ۹۹)
 - (خرداد ۹۴)
 - (خرداد ۹۹ و خرداد ۱۴۰۲ خارج)
 - (خرداد ۸۹)

واژه	معنا	واژه هم‌آوا	معنا
ثنا	-----	-----	-----
حیات	-----	-----	-----
منسوب	-----	-----	-----
نثر	-----	-----	-----
صبا	-----	-----	-----
قربت	-----	-----	-----
بحر	-----	-----	-----

۱۹. معنی واژگان ستون اول را در ستون دوم پیدا کنید. (یک معنی در ستون دوم اضافه است)

واژه	معنی
الف) وهم	۱. صاحب جمال
ب) فاحش	۲. سپاس، شکر
پ) قسیم	۳. آشکار، واضح
ت) نبات	۴. گیاه، رُستنی
ث) مَت	۵. خیال، پندار
	۶. دختران

۲۰. کدام معنی از واژه «قدوم» در جمله «اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده»، برنمی‌آید؟

- الف) قدم‌ها
ب) قدم نهادن
ت) آمدن
ب) قرارسیدن

۲۱. معنی واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- الف) از این بوستان که یودی، ما را چه تُحفه کرامت کردی؟ (کالا)
ب) آن‌که که از این معاملات بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت. (خودمانی شدن)

۲۲. واژه متناسب را برای هریک از معانی آمده، انتخاب کنید.

(شهریور ۹۹ خراج، دی ۹۹ خراج و خرداد ۱۴۰۰ خراج)

- الف) روی گرداندن از کسی یا چیزی:
ب) کسی که دیگری فرمان او را می‌برد:
پ) نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق:
- (۱) اعراض (۲) اهمال
(۱) مطیع (۲) مطاع
(۱) مکاشفه (۲) مراقبه

۲۳. یکی از واژگان درون کمانک را برای مفهوم آمده، برگزینید.

(دی ۹۸ خراج)

دارای نشانه پیامبری (وسیم / قسیم / جسیم)

۲۴. در کدام گزینه‌ها، معنای واژه مشخص شده درست است؟

(شهریور ۹۹ خراج)

- الف) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پیویم (تلاش)
ب) همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی (داننده راز)
پ) در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات. (جانداران)

۲۵. برابر معنایی واژگان روبه‌رو را در عبارت‌های زیر بیابید و بنویسید.

(خرداد ۱۴۰۳ مَنی)

الف) رَز ب) بالیده
«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده، عصاۀ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»

۲۶. مترادف واژه «فایق» در عبارت «عصاۀ تاکی به قدرت او شهید فایق شده»، کدام کلمه در متن زیر است؟

(خرداد ۱۴۰۴)

«مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تنقۀ دور زمان، محمّد مصطفی (ص) ...»

۲۷. واژه «هم‌آوا» را در عبارت زیر بیابید و مترادف آن را بنویسید.

(دی ۱۴۰۲)

«مَتّ خدای را عزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است.»

۲۸. کدام واژه، جزء معانی کلمۀ مشخص شده نیست؟

(خرداد ۱۴۰۴ خراج)

مَتّ خدای را - عزّ و جَلّ - که طاعتش موجب قربت است. (سپاس - شکر - نیکو)

املاي واژه

۲۹. در متن، یک نادرستی املايي وجود دارد؛ آن را بيابيد و شکل درست آن را بنويسيد.
«در بهر مکاشفت، مستغرق شده.»
۳۰. کدامیک از ابیات زیر، فاقد غلط املايي است؟
الف) عاشقان کشته‌گان معشوق‌اند
ب) بنده همان به که ز تقصير خویش
املاي درست واژه را از داخل کمانک برگزينيد.
الف) پرده (ناموس / ناموس) بندگان به گناه فاحش ندرد.
ب) عاکفان کعبه جلالش به (تقصير / تفسير) عبادت معترف.
پ) واصفان حليه جمالش به تحير (منسوب / منسوب).
ت) چه باک از موج (بحر / بحر) آن را که باشد نوح کشتيان؟
ث) همه از (بهر / بحر) تو سرگشته و فرمانبردار
ج) تخم خرمایی به تربيتش نخل (باسق / باسغ) گشته.
چ) تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
ح) دست (عنایت / انایت) به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بر دارد.
۳۱. در گروه کلمه‌های زیر، چهار مورد غلط املايي وجود دارد؛ درست هریک را بنويسيد.
«زندگی و حیات - بادصبا - متاع و فرمانروا - موصم ربیع - عصاره و افشره - بت و مرغابی - واصف و ستاینده - غربت و نزدیکی»
۳۲. در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املايي وجود دارد؛ آن را بيابيد و شکل درست آن را بنويسيد.
الف) عصاره تاکی به قدرت او شهد فايغ شده.
ب) پرده ناموس بندگان به گناه فاهش ندرد.
۳۳. در کدامیک از گزینه‌های زیر، غلط املايي وجود دارد؟ درست آن را بنويسيد.
الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصير عبادت معترف و واصفان حليه جمالش به تحير منسوب.
ب) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمۃ عالمیان و شفوت آدمیان و تيممه دور زمان.

دستور زبان

۳۵. در بیت زیر، کدام کلمات، «مسند» هستند؟
«همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی»
۳۶. با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
«باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده»
الف) نوع کاربرد حرف «را» چیست؟ ب) چه کلماتی از عبارت حذف شده است؟ «نوع حذف» را بنويسيد.
۳۷. در جمله «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده»، نقش دستوری «متّم» و «مفعول» را نشان دهید.
۳۸. در بیت زیر، یک «ترکیب اضافی» و یک «ترکیب وصفی» بيابيد و بنويسيد.
«این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»
۳۹. در عبارت زیر، مرجع ضمیر مشخص شده و نقش دستوری آن را بنويسيد.
«مّت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.»
۴۰. در عبارت زیر، زمان فعل‌های مشخص شده را بنويسيد.
«گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامن پُر کنم هدیه اصحاب را. چون برسيدم بوی گل چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۴۱. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
۴۲. تو نماینده فضلای تو سزاوار ثنایی
۴۳. از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به درآید؟
۴۴. باران رحمت بی حسابش همه را رسیده
۴۵. دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.
۴۶. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده.
۴۷. تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
۴۸. همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
۴۹. چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
۵۰. گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز؟
۵۱. عاشقان کشتگان معشوق اند / بر نیاید ز کشتگان آواز
۵۲. ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
۵۳. این مدعیان در طلبش بی خبران اند
۵۴. ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.
۵۵. هیچ نقاش نمی بیند که نقشی برکشد
۵۶. ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی
۵۷. در بیت زیر، چند «مفعول» وجود دارد؟
«همه غیبی تو بدانی، همه غیبی تو بیوشی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی»
۵۸. در کدام گزینه، «متمم با دو حرف اضافه» آمده است؟
الف) تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.
ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.
پ) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
۵۹. نقش دستوری اجزای مشخص شده در کدام گزینه، متفاوت است؟
الف) یکی از بندگان، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.
ب) یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود.
پ) به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را.
۶۰. نقش ضمیرهای پیوسته را بنویسید.
الف) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
پ) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم.
۶۱. نوع «حذف» را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.
الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد
ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.
۶۲. در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»:
الف) کدام فعل حذف شده است؟
ب) نوع حذف را بنویسید.
۶۳. نوع «و» را در عبارت «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» بنویسید.
۶۴. یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در بیت زیر بیابید.
«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی»
۶۵. در عبارت «دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»
الف) «را» در این عبارت به چه معنا است؟
ب) نقش دستوری واژه «دایه» چیست؟
۶۶. در بیت زیر، نوع حذف فعل (قرینه لفظی / معنایی) را مشخص کنید.
«کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار»
۶۷. نوع «وابسته وابسته» را در بیت زیر بنویسید.
«ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»
۶۸. موارد خواسته شده را در عبارت زیر بیابید.
یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟»
الف) ترکیب وصفی:
ب) ترکیب اضافی:
۶۹. زمان فعل مشخص شده در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز؟»، با فعل کدام عبارت متفاوت است؟
الف) بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.
ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد

۷۰. زمان فعل در جمله «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»، با فعل مشخص شده در کدام عبارت یکسان است؟ (خرداد ۱۴۰۴ خارج)
الف) چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد.
ب) هر نفسی که فرومی رود ممد حیات است.
۷۱. مفهوم «ان» واژه «مذعیان» در مصراع «این مذعیان در طلبش بی خبرانند» چیست؟ (خرداد ۱۴۰۴ خارج)

آرایه‌های ادبی

۷۲. واژه‌های مشخص شده در جمله زیر، خلق‌کننده کدام آرایه ادبی هستند؟
«ممت خدای را عروجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.»
۷۳. با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.»
الف) کدام واژه‌ها آرایه «جناس» پدید آورده‌اند؟ ب) در کدام ترکیب، آرایه «تشبیه» وجود دارد؟
۷۴. در عبارت زیر، آرایه «تشبیه» چند بار به کار رفته است؟ نشان دهید.
«درختان را به خلعت نوروزی، قیای سبز ورق دربرگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.»
۷۵. در بیت زیر، معنای مجازی واژه «نان» چیست؟
«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»
۷۶. در جمله زیر، آرایه‌های -----، ----- دیده می‌شود.
«هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بردارد.»
۷۷. در تشبیه جمله زیر، «مشبه» و «مشبه‌به» را نشان دهید.
«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.»
۷۸. در عبارت «گفت: به خاطر داشتم چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»:
الف) واژه‌های پدیدآورنده «سجع» کدام‌اند؟
ب) کدام کلمات «استعاره» هستند؟
۷۹. در عبارت زیر، هشت آرایه ادبی نشان دهید.
«فراش بادصبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»
۸۰. در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبه» و «مشبه‌به» را مشخص کنید.
«چه غم دیوار اُمت را که دارد چون تو پشیمان؟
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیمان؟»
۸۱. آرایه ادبی مناسب را برگزینید.
الف) کرم بیــــن و لطیف خداوندگار
ب) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.
۸۲. در مصراع نخست بیت زیر، کاربرد آرایه‌های ----- و ----- مشهود است.
«از دست و زبان که برآید
کز عهدۀ شکرش به درآید؟»
۸۳. آرایه ادبی مناسب هر گزینه را در برابر آن بنویسید. (یک آرایه اضافه است)

(تضاد / تلمیح)

(تشبیه / استعاره)

(مجاز / حسی آمیزی)

آرایه ادبی	گزینه‌ها
۱. سجع	الف) پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.
۲. استعاره	ب) فراش بادصبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.
۳. کنایه	پ) عاشقان کشتگان معشوق‌اند / برنیاید ز کشتگان آواز
۴. واج‌آرایی	

۸۴. در بیت زیر، «مرغ سحر» و «پروانه»، نماد چه مفاهیمی هستند؟
 «ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»
۸۵. در عبارت «عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته»؛ واژگان «سجع» را بنویسید.
 (دی، ۹۷ و دی، ۱۴۰۲)
 (شهریور ۹۸ و شهریور ۹۸ خارج)
۸۶. قسمت مشخص‌شدهٔ متن زیر، بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟
 «فَراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایهٔ ابربهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»
۸۷. آرایهٔ ذکرشده در مقابل بیت زیر، درست است یا نادرست؟
 «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
 چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»
 (خرداد ۹۹)
 (اسلوب معادله)
۸۸. واژگان پدیدآورندهٔ آرایهٔ لفظی «سجع» در عبارت زیر، کدام‌اند؟
 «هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفتوح ذات.»
 (خرداد ۱۴۰۲)
۸۹. در بیت زیر، کاربرد آرایه‌های «تشبیه»، «مراعات نظیر»، «تلمیح» و «-----» مشهود است.
 «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
 چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»
 (خرداد ۱۴۰۰ خارج)
۹۰. در شعر زیر، شاعر از کدام آرایه‌های ادبی بهره برده‌است؟
 «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
 مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»
 (خرداد ۹۹ خارج)
۹۱. یک مورد «مجاز» را در بیت زیر پیدا کنید.
 «از دست و زبان که برآید
 کز عهدهٔ شکرش به در آید»
 (خرداد ۹۹ خارج)
۹۲. دو آرایه برای مصراع دوم بیت زیر بنویسید.
 «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
 «واژگان سجع» را در عبارت زیر بنویسید.
 «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نبرد.»
 (دی ۱۴۰۱ هجری)
۹۳. «واژگان سجع» را در عبارت زیر بنویسید.
 «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نبرد.»
۹۴. در نوشتهٔ زیر، کدام یک از ترکیب‌های مشخص‌شده، آرایهٔ تشبیه ندارد؟
 فَرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات را در مهد زمین بپرورد.

تاریخ ادبیات

۹۵. جاهای خالی را پر کنید.
 کتاب گلستان، اثر ----- است. مترجم کتاب -----، نصرالله منشی است.

درک مطلب

۹۶. مصراع دوم بیت زیر، چه صفتی را به خدا نسبت می‌دهد؟
 «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بیوشی
 همه بیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی»
۹۷. در جملهٔ «فَرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد»، منظور از «فرش زمردین» چیست؟
۹۸. در عبارت زیر، «فصل بهار» چگونه توصیف شده‌است؟
 «درختان را به خلعت نوروزی، قبای سبز ورق دربرگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»
۹۹. با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
 این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 کان را که خبر شد، خبری باز نیامد»
 الف) کلمات «مرغ سحر» و «پروانه»، نماد چه هستند؟
 ب) مصراع «تا خبر دارم از او، بی‌خبر از خویشتم»، با کدام مصراع تناسب معنایی دارد؟
 پ) مفهوم کلی ابیات بر چه موضوعی تأکید دارد؟

۱۰۰. با توجه به بیت زیر، شرمندگی خدا از چیست؟
«گرم بین و لطف خداوندگار
گنه بنده کرده ست و او شرمسار»
۱۰۱. مفهوم کلی مصراع‌ها، ابیات و عبارت‌های زیر را بنویسید.
الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عبدناک حق عبادتک.
ب) همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فراپی
پ) گرم بین و لطف خداوندگار
ت) عاشقان کشتگان معشوق‌اند
ث) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
۱۰۲. مفهوم بیت زیر با کدام گزینه، ارتباط معنایی دارد؟
«هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد
الف) کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
ب) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب.
ج) در عبارت زیر، هریک از واژه‌های «مراقبت» و «مکاشفت» در اصطلاح عرفانی به چه معناست؟
«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت، مستغرق شده.»
د) در بیت زیر، منظور از «او»، «من»، «بی‌دل» و «بی‌نشان» چیست؟
«گر کسی وصف او ز من پرسد
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»
ه) سعدی در بیت داده‌شده، «راه جبران تقصیر» را در چه می‌داند؟
«بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد»
و) در عبارت «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده»، مقصود از «سر به جیب مراقبت فرو برده بود» چیست؟
منظور از بخش مشخص شده را بنویسید.
«بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»
ز) مصراع «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان»، چه مفهومی دارد؟
مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر با کدام گزینه مناسب دارد؟
«هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد
و آن که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»
الف) ما عبدناک حق عبادتک
ب) ما عرفناک حق معرفتک
پ) با توجه به متن زیر، خداوند چه رسالتی را بر عهده هریک از موارد «یاد صبا» و «ابر بهاری» قرار داده است؟
«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»
ث) با توجه به نوشته زیر، دو مورد از صفات خداوند را بنویسید.
«پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.»
ج) در نوشته زیر، منظور از «به طریق انبساط» چیست؟
«یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»
د) مفهوم کلی هر مصراع (در بیت زیر) چیست؟
«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟»
ه) مفهوم کلی مصراع مشخص شده را بنویسید.
«گر کسی وصف او ز من پرسد
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»

۱۱۵. در بیت: «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی»؛ چرا سنایی توحید خدا می‌گوید؟ (دی ۹۷ خارج)
۱۱۶. هریک از عبارت‌های زیر، بیانگر کدام صفت پروردگار است؟
(الف) پردهٔ ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد.
(ب) وظیفهٔ روزی به خطایِ مُنکر نُبُرد.
۱۱۷. مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.
(شهریور ۱۴۰۳)
- (الف) عاشقان کشتگان معشوق‌اند
(ب) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
۱۱۸. جملهٔ «پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد»، با کدام بخش از بیت زیر، ارتباط مفهومی دارد؟
(شهریور ۱۴۰۳)
- همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
- الف ب ج د
۱۱۹. کدام بیت با عبارت «واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حقّ معرفتیک»، ارتباط مفهومی دارد؟
(دی ۱۴۰۳)
- (الف) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
(ب) همه عیبی تو بپوشی، همه غیبی تو بدانی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی

معنی شعر و شعر

● معنی ابیات و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

۱۲۰. ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز
۱۲۱. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
۱۲۲. لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
۱۲۳. اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.
۱۲۴. تخم خرمایی به تربیتش نخل یاسق گشته.
۱۲۵. منت خدای را عزّوجلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
۱۲۶. هر نفسی که فرومی‌رود، ممدّ حیات است و چون برمی‌آید، مفترّح ذات.
۱۲۷. پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطایِ منکر نبرد.
۱۲۸. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده. (شهریور ۹۴ و دی ۹۸)
۱۲۹. خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.
۱۳۰. یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود.
۱۳۱. از دست و زبان که بر آید
۱۳۲. کرم بین و لطف خداوندگار
۱۳۳. باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.
۱۳۴. همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
۱۳۵. نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
۱۳۶. عصارةٔ تاکی به قدرت او شهد قایق شده.
۱۳۷. دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد.
۱۳۸. یکی از یاران به طریق انبساط گفت ...
- (خرداد ۹۰)
(شهریور ۹۰، شهریور ۹۹ خارج و دی ۱۴۰۱ مئی)
(دی ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، شهریور ۹۸ و دی ۹۹ خارج)
(شهریور ۹۲، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۲ و خرداد ۱۴۰۴، دی ۱۴۰۴)
(خرداد ۹۳، شهریور ۹۳، خرداد ۹۸ و دی ۹۸)
(شهریور ۹۴ و دی ۹۸)
(شهریور ۹۸، خرداد ۱۴۰۰ خارج و شهریور ۱۴۰۳)
(خرداد ۹۹)
(دی ۹۹ و دی ۹۹ خارج)
(شهریور ۱۴۰۰)
(خرداد ۱۴۰۱ خارج و دی ۱۴۰۳)
(شهریور ۹۹ خارج)
(دی ۹۹ خارج)
(شهریور ۹۹ خارج و خرداد ۱۴۰۱)
(خرداد ۱۴۰۳)
(خرداد ۱۴۰۴ خارج)



ستایش، شکر نعمت

- ۱ | سرور: شادی، خوشحالی
- ۲ | جود: بخشش، سخاوت، کرم
- ۳ | ثنا: ستایش، سپاس
- ۴ | جیب: بقه، گریبان
- ۵ | إعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی
- ۶ | فایق: برگزیده، برتر
- ۷ | خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده
- ۸ | مدعیان: ادعاکنندگان [لاف زنان، بیهوده‌گویان، خودستایان]
- ۹ | تحبّر: سرگشتگی، سرگردانی
- ۱۰ | قربت: نزدیکی
- ۱۱ | صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
- ۱۲ | ممد: مددکننده، یاری رساننده
- ۱۳ | عاکفان: جمع عاکف؛ کسانی که در مدّتی معتن در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
- ۱۴ | باسق: بلند، بالیده
- ۱۵ | انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
- ۱۶ | تاک: درخت انگور، رز
- ۱۷ | مراقبت
- ۱۸ |

واژه	معنا	واژه هم‌آوا	معنا
ثنا	ستایش، سپاس	سنا	نور، روشنایی
حیات	زندگی	حیاط	محوطه بدون سقف
منسوب	نسبت داده شده	منتسوب	گماشته، نصب شده
نثر	سخن غیرمنظوم	نصر	پیروزی
صبا	باد بهاری	سبا	نام شهری که بلقیس، ملکه آن بود
قربت	نزدیکی	غربت	دوری، بیگانگی، غربی
بحر	دریا	بهر	برای (حرف اضافه)

۱۹ | الف ۵ | ب ۳ | پ ۱
ت ۴

- ۲۰ | الف
- ۲۱ | الف: تحفه: هدیه، ارمغان
- ۲۲ | الف: اعراض: ب: مطاع: پ: مراقبه
- ۲۳ | وسیم
- ۲۴ | الف: درست
- ۲۵ | الف: رز: تاک: ب: بالیده: باسق
- ۲۶ | صفوت یا مصطفی
- ۲۷ | قربت: نزدیکی
- ۲۸ | نیکو
- ۲۹ | بهر: بحر

- ۳۰ | ب: غلط املایی: گزینۀ الف: کشته‌گان (کشتگان)
- ۳۱ | الف: ناموس: ب: تقصیر: پ: منسوب: ت: بحر
- ت: بهر: ج: باسق: چ: ثنایی: ح: انابت
- ۳۲ | ۱: متاع: ۲: موصل: ۳: موسم: ۴: بت: ۵: بط /
- ۶: غربت: ۷: قربت
- ۳۳ | الف: فایق: ب: فاهش: ج: فاحش
- ۳۴ | ب: صفوت
- ۳۵ | ع: جلال، علم، یقین، نور، سرور، جود و جزا: مسند
- ۳۶ | الف: را: حرف اضافه (به همه)
- ب: فعل «است» (بعد از کلمات «رسیده و کشیده») حذف به قرینه معنایی
- ۳۷ | متمم: قرّاش [به قرّاش یاد صبا گفته]
- مفعول: ۱- قرش (مفعول فعل «بگسترد») ۲- جمله «تا قرش زمرّدین بگسترد» (مفعول فعل «گفته») چه چیزی را گفته تا بگسترد.
- ۳۸ | این مدعیان: ترکیب وصفی
- طلبش: ترکیب اضافی (طلب او)
- ۳۹ | مرجع ضمیر: خداوند / نقش: مضاف‌الیه (شکرش)
- ۴۰ | رشم (برسم): مضارع التزامی
- برسیدم: ماضی ساده (رسیدم)
- ۴۱ | ذکر: مفعول / خدا: مسند
- ۴۲ | فضل: مضاف‌الیه / سزاوار: مسند
- ۴۳ | که: مضاف‌الیه / عهده: متمم
- ۴۴ | باران: نهاد / همه: متمم [را: حرف اضافه به همه]
- ۴۵ | دایه: متمم / بنات: مفعول / زمین: مضاف‌الیه
- ۴۶ | عصاره: نهاد / قدرت: متمم / فایق: صفت
- ۴۷ | نخل: مسند / باسق: صفت
- ۴۸ | همه: نهاد / تو: متمم / فرمانبردار: مسند
- ۴۹ | تو: متمم / پشتیبان: مفعول
- ۵۰ | کسی: نهاد / وصف: مفعول / من: متمم / بی‌دل: نهاد
- ۵۱ | کشتگان: مسند / معشوق: مضاف‌الیه / کشتگان: متمم /
- آواز: نهاد
- ۵۲ | مرغ: منادا / عشق: مفعول
- ۵۳ | مدعیان: نهاد / ش: مضاف‌الیه / بی‌خبران: مسند
- ۵۴ | ثمرت: نهاد / تجربت: مضاف‌الیه / همه روز: قید
- ۵۵ | هیچ: صفت / ت: مفعول / نقشی: مفعول
- ۵۶ | خدا: مسند / ره: مُتمّم
- ۵۷ | چهار مفعول: ۱: همه غیبی / ۲: همه غیبی / ۳: همه بیشنی
- ۴: همه کمی
- ۵۸ | ب: «به شکر اندر»: شکر: متمم / به: حرف اضافه اول / اندر (= در): حرف اضافه دوم
- ۵۹ | پ: «را» حرف اضافه است به معنای «برای»، بنابراین نقش «هدیه اصحاب»، متمم است. درحالی‌که نقش «دست» و «سر» در گزینه‌های دیگر «مفعول» است.
- دیگر اینکه در جمله مورد نظر «گزینۀ پ» واژه «دامنی» نقش مفعولی دارد (چه چیزی را پُرکنم دامنی را)

- ۸۰ | تشبیه (اضافه تشبیهی): دیوار اَمّت ← مشبّه: اَمّت
 ۸۱ | الف تلمیح ب تشبیه ب مجاز
 ۸۲ | مجاز و مراعات نظیر
 ۸۳ | الف ۳ ب ۲ ب ۴
 (در هیچ کدام از گزینه‌ها آرایه «سجع» دیده نمی‌شود.)
 ۸۴ | مرغ سحر ← نماد «عاشق غیرحقیقی و مُدعی»
 پروانه ← نماد «عاشق واقعی و بی ادعا»
 ۸۵ | سجع ← شده و گشته
 ۸۶ | استعاره
 ۸۷ | درست است
 ۸۸ | حیات و ذات [البته «فرومی‌رود» و «برمی‌آید» نیز دارای سجع می‌باشند]
 ۸۹ | اسلوب معادله
 ۹۰ | ۱ مراعات نظیر (لب و دندان / آتش و دوزخ) ۲ مجاز (لب و دندان / روی) ۳ ایهام تناسب (روی)
 ۹۱ | دست و زبان (قدرت و گفتار)
 ۹۲ | ۱ مراعات نظیر (موج، بحرو کشتیان) / ۲ تلمیح (حضرت نوح(ع))
 ۹۳ | ندرد و نبرد
 ۹۴ | فرش زمردین
 ۹۵ | سعدی / کلیله و دمنه
 ۹۶ | مختار بودن خداوند در «عزت بخشی و ذلت دادن»
 ۹۷ | چمن و سبزه
 ۹۸ | (در فصل بهار) درختان و شاخه‌ها، پُر از برگ و شکوفه گشته است.
 ۹۹ | الف مرغ سحر ← نماد «عاشق غیرحقیقی و مُدعی»
 پروانه ← نماد «عاشق واقعی و بی ادعا»
 ب کان را که خبر شد، خبری بازنیامد
 پ رازداری در عشق و بی ادعایی عاشق
 ۱۰۰ | گناهکاری بندگان
 ۱۰۱ | الف ناتوانی در پرستش و عبادت سزاوارانه خداوند
 ب تمامی کم و زیاد شدن‌ها (عزت و ذلت انسان‌ها) در دست خداست.
 پ لطف و گذشت و مهربانی پروردگار
 ت تأکید بر خاموشی و رازداری در عشق
 ث رازداری در عشق و بی ادعایی
 ۱۰۲ | ب واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب
 ۱۰۳ | مراقبت ← کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم به ضمیر اوست (نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق)
 مکاشفت ← پی بردن به حقایق
 ۱۰۴ | او ← خداوند / من ← سعدی (شاعر) / بی دل ← سعدی / بی نشان ← خداوند
 ۱۰۵ | توبه به درگاه پروردگار [عذرخواهی و پوزش]
 ۱۰۶ | در حالت تأمل و تفکر عارفانه، قلب (دل) خود را از هرچه غیر خدا حفظ کردن (بی اعتنایی به غیر خدا)
 ۱۰۷ | بی اختیار و از خود بی خود شدم.
 ۱۰۸ | دلگرم و امیدوار بودن اَمّت اسلام به یاری و شفاعت پیامبر (ص)
 ۱۰۹ | ب

- ۶۰ | الف ش ← مضاف الیه [ترتیب او]
 ب ش ← مفعول [بار دیگر او را ... خواند]
 پ ش (هر دو) ← مضاف الیه [دعوت او / امید او]
 ت م (گلم) ← مفعول [بوی گل، من را چنان مست کرد]
 م (دامنم) ← مضاف الیه [دامن از دست من برفت]
 ۶۱ | الف فعل «است» (بعد از همان به) به قرینه معنایی حذف شده است.
 ب فعل «است» (بعد از واجب) به قرینه لفظی حذف گردیده است.
 ۶۲ | الف فعل «اند = هستند» (بعد از فرمانبردار)
 ب حذف به قرینه معنایی
 ۶۳ | ربط (هم پایه ساز)
 ۶۴ | ترکیب وصفی ← همان ره / ترکیب اضافی ← ذکر تو
 ۶۵ | الف به معنی «به» (حرف اضافه)
 ب مُتَمِّم (به دایه ابر بهاری فرموده)
 ۶۶ | (مصرع اول) فعل «بین» (بعد از «خداوندگار») ← به قرینه لفظی (مصرع دوم) فعل «است» (بعد از «شرمسار») حذف به قرینه لفظی
 ۶۷ | صفت مضاف الیه
 ۶۸ | الف ترکیب وصفی: این بوستان یا چه تحفه
 ب ترکیب اضافی: طریق انبساط
 ۶۹ | الف (پرسد و بخواند، متفاوت اند.)
 ۷۰ | ب زمان فعل مشخص شده در سؤال و گزینه «ب»، هردو، مضارع اخباری است.
 ۷۱ | نشانه جمع
 ۷۲ | سجع
 ۷۳ | الف ندرد، نثرد: جناس ناهمسان ب پرده ناموس
 ۷۴ | ۳ بار ← ۱ قبای ورق، ۲ اطفال شاخ، ۳ کلاه شکوفه
 ۷۵ | نان مجاز از «زرق و روری»
 ۷۶ | کنایه (پریشان روزگار)، جناس (اجابت، انابت)
 ۷۷ | تشبیه: بحر مکاشفت ← مکاشفت (مشبّه)، بحر (مشبّه به)
 ۷۸ | الف داشتم، رسم، کنم، برسیدم
 ب دامن از دست رفتن ← کنایه از «از خود بی خود شدن»
 پ درخت گل، بوی گل
 ۷۹ | [البته در این متن، بیشتر از هشت آرایه وجود دارد]
 چهار تشبیه
 فزاش باد صبا
 دایه ابر بهاری
 بنات نبات
 مهد زمین
 استعاره ← فرش زمردین
 باد صبا (به باد صبا گفته)
 تشخیص
 ابر بهاری (به ابر بهاری دستور داده)
 نبات (گیاه را به انسان تشبیه کرده)
 جناس
 فزاش و فرش [اشتقاق نیز دارد]
 سجع
 گفته و فرموده
 بگسترد و پیورود

مست و سُشیار

- ۱۳۹ | محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.
- ۱۴۰ | والی: حاکم، فرمانروا
- ۱۴۱ | عار: ننگ، بدنامی، رسوایی
- ۱۴۲ | ملامت: سرزنش، نکوهش
- ۱۴۳ | زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.
- ۱۴۴ | اکراه: ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری
- ۱۴۵ | عاجز: درمانده، ناتوان
- ۱۴۶ | صواب: درست، پسندیده، مصلحت
- ۱۴۷ | عیش: خوشی، عشرت / مُدام: همیشه، پیوسته، می
- ۱۴۸ | دار مُلک: سرزمین
- ۱۴۹ | افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب، الاغ و... می‌بندند.
- ۱۵۰ | گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود.
- ۱۵۱ | ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، معلّم و مرتبی
- ۱۵۲ | هان: آگاه باش
- ۱۵۳ | کیمیا: ماده‌ای که با آن بتوان مس را به طلا تبدیل کرد؛ اکسیر
- ۱۵۴ | ذوالجلال: خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت
- ۱۵۵ | وجه: ذات، وجود
- ۱۵۶ | غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن
- ۱۵۷ | حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- ۱۵۸ | داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد
- ۱۵۹ | حقّار: بی‌فروش
- ۱۶۰ | افسار ← افسار
- ۱۶۱ | درجم ← درهم
- ۱۶۲ | آر ← عار
- ۱۶۳ | از بحر ← از بهر
- ۱۶۴ | ثواب ← صواب
- ۱۶۵ | بگزار ← بگزار
- ۱۶۶ | بهر ← بحر
- ۱۶۷ | اکراه ← نظر ← وصال ← غرامت ← بهر
- ۱۶۸ | ۱ بگزار ← بگزار / ۲ زاهد ← زاهد / ۳ بهر ← بحر
- ۱۶۹ | الف [گزینۀ «ب» بهر ← بحر]
- ۱۷۰ | ب (مسجد، خوابگاه نیست)
- ۱۷۱ | الف مضاف‌الیه (سرت) ب متّکم (به او گفت)
- ۱۷۲ | ب و ت ← نقش هر دو: مفعول
- دیگر گزینه‌ها: الف ← مسند / ب ← نهاد
- ۱۷۳ | «صاحب‌خبر شوی» و «راهر و نباشی» (پیوندهای وابسته‌ساز ← «که» و «تا»)
- ۱۷۴ | الف «هستم» به قرینۀ معنایی (از دار ملک آشنایی هستم)
- ب «معلوم است» به قرینۀ معنایی (از کجا معلوم است)
- ۱۷۵ | ب جانّت ← معطوف (نقش تبعی: «واو» ← عطف)
- [سؤال: چرا «خور»، معطوف (نقش تبعی) نیست؟ پاسخ: زیرا «واو» در «خواب و خور» ← «میان‌وند» است نه عطف. کلاً «خواب و خور»، یک واژه است: مانند «گفت و گو»، «رفت و آمد».]
- ۱۷۶ | دوست: منادا / این: نهاد

- ۱۱۰ | باد صبا: سبزه‌ها را مانند فرشی در طبیعت پهن کند. (برویاند)
- ابر بهاری: گیاهان را در زمین پرورش دهد.
- ۱۱۱ | ستّار العیوب بودن خداوند
- ۲ روزی رسان یا رزّاق بودن خداوند
- ۱۱۲ | به شیوۀ صمیمی و خودمانی
- ۱۱۳ | مصراع اوّل: دلگرم بودن مسلمانان به کمک و پشتیبانی حضرت رسول (ص) / مصراع دوم: نرسیدن به خاطر داشتن رهبر و فرمانده
- ۱۱۴ | ناتوانی در توصیف معشوق (خداوند)
- ۱۱۵ | به امید رهایی از آتش جهنّم
- ۱۱۶ | الف صفت «ستّار العیوب» بودن (پوشانندۀ عیب و گناه)
- ب صفت «رزّاقیت» (روزی‌رسان بودن)
- ۱۱۷ | سکوت یا بی‌ادعایی عاشقان حقیقی (رازداری عارفان و فنایافتگان) (یا هر مفهوم مشابه)
- ۱۱۸ | ب
- ۱۱۹ | الف
- ۱۲۰ | ای پرندۀ سحرگاہی (لبلیل) عشق واقعی را از پروانه یاد بگیر، زیرا پروانه در راه عشق، جان می‌بازد ولی صدایی از او شنیده نمی‌شود.
- ۱۲۱ | ابر و باد و ماه و خورشید و آسمان، مشغول کارند تا اینکه تو روزی خود را به دست آوری و در بی‌خبری از آن استفاده نکنی.
- ۱۲۲ | سنایی با تمام وجود، بیگانگی تو را می‌گوید، به این امید که امکان رهایی از آتش جهنّم برای او وجود داشته‌باشد.
- ۱۲۳ | با فرارسیدن فصل بهار بر سر شاخه‌های نودمیده، کلاهی از شکوفه گذاشته است.
- ۱۲۴ | هسته خرما یا پرورش او به نخل بلندی تبدیل گشته است.
- ۱۲۵ | شکر و سپاس، مخصوص خداوند گرامی و بلندمرتبه است؛ خداوندی که اطاعت از او موجب نزدیکی به اوست و شکرگزاری او باعث افزایش نعمت است.
- ۱۲۶ | هر نفسی که فرومی‌رود یاریگر زندگی است و وقتی بالا می‌آید شادی بخش وجود است.
- ۱۲۷ | آبروی بندگان را با وجود ارتکاب گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی مقرر آنان را با وجود خطاکار بودنشان قطع نمی‌کند.
- ۱۲۸ | بر تن درختان به عنوان لباس نوروزی، برگ سبز پوشانده و با آمدن بهار بر سر شاخه‌های نودمیده، کلاهی از شکوفه گذاشته است.
- ۱۲۹ | نعمت بدون مضایقه او مانند سفره‌ای گشاده در همه جا گسترده شده است.
- ۱۳۰ | یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه و توجّه به حق بود.
- ۱۳۱ | هیچ‌کس نمی‌تواند با رفتار و گفتار خود از عهدۀ شکرگزاری خداوند برآید.
- ۱۳۲ | لطف و بخشش خداوند را ببین؛ بنده گناه کرده ولی خداوند شرم‌منده است!
- ۱۳۳ | رحمت فراوان الهی همچون باران به همه رسیده است.
- ۱۳۴ | همه کم و زیاد شدن‌ها (عزت و ذلت) در دستِ توست.
- ۱۳۵ | نمی‌توان توراً توصیف کرد، چرا که تو در فهم و ادراک انسان نمی‌گنجی.
- ۱۳۶ | شیرۀ انگور با قدرت او به عسل خالص تبدیل شده.
- ۱۳۷ | به امید برآورده شدن توبه به درگاه خداوند روی می‌آورد.
- ۱۳۸ | یکی از دوستان یا حالتی خودمانی (با صمیمیت) گفت ...